

شور انقلابی خلق قهرمان ما برای مقابله با دشمنان جمهوری اسلامی ایران، بزرگترین و ثقیقه تأمین پیروزی سریع است



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۱۳
چهارشنبه ۱۷ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۳۰ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

• ما خود را در تگرانی های
آیت الله منتظری و دیگر
مقامات مسئول درباره
پی آمدهای ناشی از
طولانی شدن جنگ
شریک می دانیم

• چرا حزب توده ایران
نظر خود را درباره برخی
از شخصیت ها تغییر داده
است؟

صفحه ۶

امام خمینی: امیدوارم خبر پیروزی نهایی را بزودی دریافت دارم

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، در پاسخ پیام رئیس جمهوری در پیوسته ۲

آیت الله منتظری:

این هجوم دلاوران نشانه بودن روحیه
قوی و آمادگی لازم جهت پیشروی است

صفحه ۲

از روز جمعه ۱۵ دیماه

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، تهاجم گسترده پیروزمند خود را علیه نیروهای تجاوزگر صدام آغاز کردند

درباره تشنج و درگیری اخیر در گیلان
ضد انقلاب آب را گل آلود
می کند!

صفحه ۷

نیروهای مسلح جمهوری
اسلامی ایران در چپه های
جنوب، از روز ۱۵ دیماه ۵۹
نخستین دور عملیات تهاجمی
پیروزمند خود را علیه دشمن

تجاوز آغاز کردند. در این نبرد
رزمندهگان جمهوری اسلامی ایران
با همتی کامل، ضربات
کوبنده ای بر تجاوزگران صدامی
بقیه در صفحه ۷

* حمله متقابل دشمن دفع شد.
* در نخستین عملیات پیروزمندانه ۲۰۰ تن از تجاوزگران
صدامی کشته شدند و بیش از ۱۰۰۰ نفر به اسارت درآمدند.
بقیه در صفحه ۷

حجت الاسلام خامنه ای:

حمله ای که شد، بایستی حتماً ادامه پیدا کند

حجت الاسلام خامنه ای، نماینده
امام در شورای عالی دفاع و امام
جمعه تهران، که از نخستین ساعات
شروع عملیات تهاجمی نیروهای
مسلح جمهوری اسلامی ایران
در چپه خضور داشت، در
مصاحبه ای، با خبرنگار صدا و
سیما جمهوری اسلامی ایران،
ضمن تأکید بر همتی کامل
نیروهای مسلح انقلاب در عملیات
خطرناک کرد که:
«حمله ای که شد بایستی حتماً
ادامه پیدا کند»
حجت الاسلام خامنه ای در این
مصاحبه از جمله گفت:
«به نظر من حمله ای که امروز

حجت الاسلام موسوی تبریزی در مراسم ۲۸ صفر در قزوین:

آمریکادشمن اصلی انقلاب ایران است

مردم قزوین: ما در جنگیم با شیطان، چه با کارتر چه چلیگان.

صفحه ۷

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی:

امید که در
روزهای آینده
شاهد مراحل
نهایی شکست
و طرد
متجاوزان
مزدور باشیم

صفحه ۷

معضل بزرگ زندگی توده ها

صفحه ۲

گرانی

دو نوع برخورد درباره توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا

۱- هشیار کن

«آمریکا نیروهای ویژه ای را آماده کرده، تا در شرایط
خاص وارد عمل کند و چون این سه جزیره در داخل تنگه
هرمز قرار دارد و خطرناک است، ما به همه کشورهای منطقه
اخطار می کنیم، مراقب بازی ابرقدرت آمریکا باشیم.»

(بیزاد نبوی - اول دی ۱۳۵۹ - نقل از صبح آزادگان)
«این ضربات که آمریکا دم از آن می زند، این است
که در یک تنگه نیرو پلاند کند یا جزایر را بگیرد و از آن
طریق راه کشتیرانی را بپوشد و یا یکی از شهرهای ما را
ببازراند کند.»

(جلال الدین فارسی - ۷ دیماه ۱۳۵۹)

۲- خواب کن

«بعضی از مستند نشینان که به گفته های امام ایمان ندارند،
احیاناً به ترس از آمریکا دچار شده اند و بدین گمان باطل اند که
آمریکا قادر است به ایران حمله نظامی کند... و این خیال
باطل است، زیرا آمریکا قادر به حمله نظامی به ایران
نیست.»

(بیزان - ۱۳ دی ۱۳۵۹)

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

آیت‌الله منتظری:

این هجوم دلاوران نشانۀ بودن روحیه قوی و آمادگی لازم جهت پیشروی است

آیت‌الله منتظری به دنبال پیروزی مرحله اول تهاجم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، خطاب به رئیس‌جمهوری پیامی فرستادند. آیت‌الله منتظری در پیام خود ضمن تقدیر از تمامی رزمندگان انقلاب، اعم از ارتش، سپاه پاسداران، بسیج و مرزداران غیور وطن، تاکید کردند: این هجوم دلاوران، نشانۀ بودن روحیه قوی و آمادگی لازم جهت پیشروی نیروهای مسلح اسلام می‌باشد. آیت‌الله منتظری همچنین خاطر نشان کردند: «امید است، همانطور که امام، مدظله، فرمودند، این حرکت ادامه یافته و پیروزی نهایی را بدنبال داشته باشد»

گرانی، معضل بزرگ زندگی توده‌هاست

با تسریع و اجرای اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی و ایجاد شبکه دولتی و تعاونی توزیع میتوان این معضل را حل کرد

بازرگانان بزرگ همچنان سلطه خود را بر شبکه توزیع داخلی حفظ کرده‌اند، هم «مراکز تهیه و توزیع کالا» در دست آنهاست و توزیع ۲۰ درصد کالاهای وارداتی را در اختیار دارند، و هم در شرایط حاضر، واردات صدها قلم کالای مورد نیاز عموم در انحصارشان است. بدینجهت نه تنها قیمت‌ها پایین نمی‌آید، بلکه این بازرگانان عمده و واسطه‌ها، بیمل خو و به تبع آزمندی خود، بازار مصرف را می‌چرخانند و کنترل خود را بر قیمت‌ها اعمال میکنند، شبکه توزیع بخش خصوصی، که بنا بر سنت از وارد کنند، بنکدار و مغازه‌دار تشکیل میشود، کالای وارداتی را چندین دست میگرداند، و تا به دست مصرف کننده برسد، بهای کالا چند برابر میشود. وارد کنندگان که بازرگانان بزرگ هستند، اغلب به ۲ تا ۳ برابر سود هم قانع نیستند، واسطه‌ها، که در جریان تولید و توزیع، فقط نقش افزایش قیمت‌ها را برعهده دارند، گاه به ۳ تا ۴ دست می‌برند، که هر کدام سودی معادل ۲۵ تا ۳۵ درصد برای خود در نظر میگیرند، و بدینسان مصرف کننده، کالای مورد نیاز خود را به بهای میخورد که چند برابر قیمت اصلی است.

این مصرف کننده کیست؟ بطور عمده توده مستضعفی، که کارگر است، درآمد ناچیز ثابتی دارد؛ اگر روستایی است، درآمد صدها هکتار آنان از ۷۰ هزار تومان در سال متجاوز نیست؛ اگر کارمند عادی دولت است که جز درآمد ماهانه چند هزار تومانی ثابت، یک ستاره هم در آسمان ندارد و این معبود قیمت‌ها، زندگی این خیل عظیم را چنان به پریشانی کشیده که در کار معاش روزانه خود درمانده‌اند. قیمت‌ها تنها ماه به ماه و هفته به هفته، بلکه گاه روز بروز و ساعت بساعت در حال ترقی است، و مردم تکران و شوشی که چه باید کرد؟

اقدام دولت در سبیه‌بندی ۷۰۰ قلم کالا، اقدامی است درست و بسود آفتاب زحمتکش. ولی توقع این بود که این اقدام بسرف به سایر کالاهای مورد نیاز عموم تسری یابد، زیرا در شرایط حاضر، اگرچه مردم محروم، قند و شکر و روغن نباتی را به بهای دولتی دریافت میکنند، ولی قدرت خرید گوشت ۴۵ کیلوگرمی ۶۵ تومان، برنج ۲۰ کیلوگرمی، ۲۴ تومان، حبوبات ۲۰ کیلوگرمی، ۲۰ تومان و پنیر ۲۰ کیلوگرمی، ۳۲ تومان را ندارند و نتیجه آن میشود که نتوانند معاش روزانه خود را سر و سامان بخشند. صرفنظر از مواد غذایی، سایر کالاها نیز بنحو تمجب‌آوری گران است. معیشت عمومی تهاخوراک نیست که بسیاری از اقلام آن همچنان گران عرضه میشود، بلکه پوشاک هم هست، لوازم خانه هم هست، وسایل تحصیل فرزندان خانواده هم هست. وقتی بخاری ۲۰۰ تومانی به بهای ۲۰۰ تومان به فروش میرسد و برای یک دفترچه چند پرگی باید ۷۰۰ تومان پول پرداخت و بهای قماش و پوشاک دوخته، سر بفلک زده است، میتوان حال و روز یک خانواده زحمتکش ۷۰ نفری را دریافت.

تجسین و مهترین اقدام برای جلوگیری از گرانی، چنانکه بارها نوشته‌ایم، ملی کردن بازرگانی خارجی و کوتاه کردن دست بخش خصوصی از این عرصه غارتگری است. رویدادهای انقلاب، دشواریهای بعد از پیروزی در بخش صنایع و کشاورزی و سپس جنگ تحمیلی ما را ناگزیر ساخته است که بخش عظیمی از نیازمندیهای خود را از خارج وارد کنیم. بخش خصوصی، یعنی سرمایه‌داران بزرگی که سرمایه‌های خود را در رشته پرسود بازرگانی بکار انداخته‌اند، در قبال جامعه و هموطنان زحمتکش خود، برای خود قصبه و وظیفه‌ای نمی‌شناسند. آنان تنها به سودهای کلان خود می‌اندیشند و این سود هنگفت را با گرانفروشی و احتکار، از جیب کارگر و دهقان و کارمند و پیشه‌ور بیرون میکشند. بازرگانان عمده و سرمایه‌داران وابسته بدیستی عرصه بازرگانی را چنان پرسود یافته‌اند، که در سال ۵۹، تعداد کارت‌های بازرگانی، به چند برابر رسیده است و سرمایه‌هایی که قبلاً رو به سوی زمین‌خواری و ساختمان داشت، زمانی که این بازار را بی رونق دید، به عرصه بازرگانی هجوم آورد. متأسفانه تملل و تسامح در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و ملی کردن بازرگانی خارجی، به این قدر انکسل و مفتخواره فرست داده است تا سرمایه‌های خود را در این دو سال پس از انقلاب بصباب زحمتکشان چندین برابر کنند. نه تنها تجربه دوساله پس از انقلاب، بلکه تجارب ۵۰ ساله

فعالیت عوامل مشکوک در دانشگاه صنعتی شریف برای برپا کردن اعتصاب

در این میان گروهی از عناصر مشکوک می‌کوشند که اساتید این دانشگاه را به پیمانۀ اعتراض به فعالیت‌های این شورا و همچنین طرح این مسئله که فعالیت این شورا بدون مشارکت تمامی استادان است، آنها را به راهپیمایی و تحصن یکشانند. ما هشدار میدهیم:

در شرایطی که ایران در حال نبردی سرنوشت‌ساز با دشمن اصلی خود، امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام است، عناصر مشکوک، ضدانقلابی، لیبرال و مائوئیست می‌کوشند که یک اعتراض سراسری را علیه جمهوری اسلامی ایران، زیر پوشش «دفاع از یازگشایر دانشگاهها» و انحلال شورای جهاد دانشگاهها، سازمان دهند. مسلماً اساتید مسئول اختلافات خود را از طریق مذاکره یا مشولین امور در دانشگاهها حل خواهند کرد و با هتیار تمام از افتادن در دام گروهک‌های ضدانقلابی احتراز خواهند نمود. ما از مشولین امر در دانشگاههای ایران و بخصوص دانشگاه صنعتی شریف می‌طلبیم که از طریق مذاکره یا اساتید این دانشگاهها و توجه به خواستهای بحق و منطقی آنها، زمینه فعالیت گروههای ضدانقلابی را از بین ببرند.

عوامل مشکوک در دانشگاه صنعتی شریف، محیط آرام این دانشگاه را به محیطی ملو از تفرقه و تشنج و درگیری تبدیل کرده‌اند. این عناصر که در میان آنها برخی می‌توان طیف ضد انقلاب، لیبرال‌ها و مائوئیست‌ها را مشاهده کرد، به پیمانۀ «یازگشایر دانشگاهها» و اعتراض به فعالیت‌های مثبت «شورای جهاد دانشگاهها» این دانشگاه، می‌کوشند یک اعتراض عمومی در این دانشگاه برپا اندازند.

به تصمیم «ستاد انقلاب فرهنگی»، ستادهایی بنام «شورای جهاد سازندگی دانشگاهها» در سراسر دانشگاههای ایران تشکیل شده است. این ستادها با استفاده از امکانات علمی و فنی دانشگاهها، می‌کوشند امر بازسازی صنایع ملی ایران را سامان دهند. شورای جهاد دانشگاهی، دانشگاه صنعتی شریف نیز، با استفاده از امکانات این مرکز، توانسته است اقدامات مثبتی مانند ساختن ۳۰ کسورۀ آجریزی در سطح کشور، تعمیر رادارهای ارتش جمهوری اسلامی ایران، بکار انداختن کارخانه، تولیدات سیزبویک و... به مورد اجرا بگذارد.

امام خمینی...

بزودی کشور اسلامی از ثون وجود کفار خزله‌الله پاکسازی شود.

امام خمینی در این پیام همچنین خاطر نشان کردند که: «امیدوارم خبر پیروزی نهایی را به‌خواست خداوند تعالی دریافت دارم».

در پایان پیام امام خمینی به رئیس جمهور آمده است: سلامت جناب عالی و رزمندگان عزیز و فرماندهان و افسران و درجه‌داران و پاسداران و بسیج، شبه نظامیان و تمامی نیروهای مسلح و نیروهای مردمی که ستون فقرات انقلاب اسلامی ما می‌باشند را از خداوند تعالی خواستارم».

بقیه از صفحه ۱

نیروهای انقلاب در نبرد شدند و از تمام نیروهای رزمنده انقلاب در جبهه‌ها تقدیر کردند.

در بخشی از این پیام آمده است:

«خبر پیروزی چشمگیر قوای مسلح اسلام با همتاگی یسین جمیع رزمندگان عزیز مورد تقدیر و تشکر گردید. سلام و تقدیر اینجانب را به فرماندهان محترم و سران عزیز و سربازان و پاسداران معظم اسلام ابلاغ نمائید. انتظار دارم که با پشتکار و همتاگی و انسجام همه رزمندگان محبوب

قبل از انقلاب نشان میدهد که عملکرد بخش خصوصی در تجارت خارجی جز غارت و چپاول و اندوختن ثروت به زبان جامعه نبوده است. بنابراین هر روز که در اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی تاخیر شود، فرصتی است برای این غارتگران تا بحساب فقر مردمی که تمام حیات و هستی خود را برآه انقلاب گذارده‌اند، مال‌اندوزی کنند.

صرفنظر از ضرورت ملی کردن بازرگانی خارجی، ایجاد نظام توزیع دولتی و تعاونی نیز اقدام مکمل و لازمی است در جهت قطع دست بازرگانان بزرگ، محتکران و واسطه‌ها از معیشت عمومی. اگر بازرگانی خارجی در دست دولت قرار گیرد، ولی توزیع کالا در دست تجار بزرگ و واسطه‌ها بماند، این قدر غارتگر نبض بازار را در دست خواهد گرفت و گرانی و کمبود مصنوعی بوجود خواهد آورد. با آنکه ایجاد نظام توزیع دولتی و تعاونی در اساس جزء لاینفک ملی کردن بازرگانی خارجی نیست، ولی چنان با آن آمیخته است که اولی بدون دومی اثرات مفیدش را در اقتصاد کشور از دست خواهد داد.

توجه مجلس شورای اسلامی به ضرورت ملی کردن بازرگانی خارجی و وظیفه‌ای که در برابر دولت قرار گرفته است، پیشتر این مناسبت که در زمانی نزدیک این مشکل به فرجام رسد. ولی هم‌اکنون نیز دولت موظف به اقدامات کوتاهمدتی است که نه تنها جلوی افزایش قیمت‌ها را بگیرد، بلکه آثار تقلیل دهد. در این زمینه دولت وظیفه دارد که شبکه‌های خرابکاری محتکران و گرانفروشان را بسرعت کشف کند و آثاراً بتوان عناصر ضدانقلابی به کیفیت برساند. اگر سرمایه چند سرمایه‌دار و محتکر بزرگ بلافاصله از سوی دادگاههای انقلاب مصادره شود، این آثار خواهد داشت که سایر محتکران و بازرگانان عمده حداقل ترکانزی نکنند. اقدام دیگر دولت باید در جهت گسترش فروشگاههای دولتی و شبکه تعاونیهای توزیع باشد، تا زحمتکشان کالاهای ضرور خود را به بهای عادلانه از این طریق تهیه کنند. ایجاد شبکه تعاونی‌های خرید محصول از دهقانان نیز موجب خواهد شد که از خرید محصولات دهقانان بوسیله واسطه‌ها جلوگیری شود. هم‌دهقانان زحمتکش دسترنج خود را به ثمن بخش نفروشدند و هم کالاهای کشاورزی با قیمت مناسب در دسترس مصرف کننده شهری قرار گیرد.

نظارت دولت بر تولید صنایع داخلی از دیگر اقداماتی است که میتواند در تقلیل و تثبیت قیمت‌ها موثر افتد. اکنون که ۲۰ درصد صنایع از شمول بخش خصوصی خارج و به مالکیت دولت درآمده است، نظارت دولتی بر تولید صدها ۲۰ باقیمانده کار چندان دشواری نیست. میتوان با محاسبه بهای تمام شده و سود فروش، کالا را قیمت‌گذاری کرد و به بازار فرستاد و تخلف از بهای دولتی را، از سوی هر کسی و هر مقامی که انجام شود، بشدت مورد مجازات قرار داد. گرانی به معضل بزرگ زندگی توده بدل شده است. باید در کوتاهترین زمان در حل آن کوشید.

پیام سازمان جوانان توده ایران به اتحادیه جوانان برای نجات کامپوچیا به مناسبت:

دومین سالگرد پیروزی مردم و جوانان کامپوچیا

در ۲ ژانویه ۱۹۸۱ (۱۷ دی ۱۳۵۹) مردم کامپوچیا دومین سالگرد پیروزی بر رژیم جنایتکار پولهت- یسکساری را گرامی می‌دارند. بدین مناسبت سازمان جوانان توده ایران پیامی خطاب به اتحادیه جوانان برای نجات کامپوچیا ارسال داشت. متن این پیام چنین است:

رفقای گرامی! سازمان جوانان توده ایران، دومین سالگرد پیروزی مردم و جوانان کامپوچیا بر رژیم جنایتکار و دست‌نشانده پلهت‌یسکساری را صمیمانه تبریک می‌گوید.

رژیم پلهت‌یسکساری، که از سوی رهبری مائوئیستی و توسعه طلب یکن حمایت می‌شد، در دوران حکومت خود یسر زگرین فبایع را علیه خلق کامپوچیا مرتکب شد و میلیونها جوان کامپوچیایی را به قتل رسانید و مدارس و دانشگاهها را به ویرانه مبدل ساخت. مردم و جوانان قهرمان کامپوچیا علیه این رژیم جنایتکار و ددمنش بپا خاستند، با قیام پیروزمند خود آن را سرنگون کردند و حاکمیت واقعی زحمتکشان را بر کامپوچیا مستقر ساختند.

ولی رژیم توسعه طلب چین و مزدوران آن، از توطئه علیه مردم کامپوچیا دست برنداشتند و به تحریک و تجاوز علیه کامپوچیایی انقلابی ادامه می‌دهند. امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، نیز به انحاء گوناگون می‌کوشد تا مبارزه عادلانه مردم و جوانان کامپوچیا به خاطر ساختن کومپوچیایی نوین را تخطئه کند و وقیحانه - در کنار مائوئیست‌های یکن - از داروخته جنایتکار پلریت حمایت می‌کند. رفقای گرامی!

مردم و جوانان ایران، اکنون حساسترین لحظات تاریخ کهنسال خویش را می‌گذرانند. انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران در بهمن ۱۳۵۷، به رهبری امام خمینی، یکی از نیرومندترین پایگاه‌های امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را سرنگون ساخت و مرحله‌ای نوین از حیات مردم و جوانان ایران آغاز کردید. امپریالیسم برای سرکوب انقلاب ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، از هیچ توطئه‌ای فروگذار نکرد. محاصره اقتصادی، جنگ تبلیغاتی، خرابکاری در موسسات صنعتی، تحریک و آشوب‌گری در نواحی مرزی، اقدامات تروریستی، تدارک کودتای نظامی و تجاوز آشکار نظامی، از جمله شیوه‌هایی هستند که امپریالیسم آمریکا به یاری دیگر کشورهای امپریالیستی و ارتجاع منطقه علیه انقلاب ایران به کار برده است.

امپریالیسم آمریکا در ادامه توطئه‌های خود، رژیم جنایتکار صدام را به تجاوز علیه جمهوری اسلامی ایران تحریک نموده و اکنون ماه‌هاست که ارتش تجاوزگر صدام، با حمایت ارتجاع منطقه و امپریالیسم، جنگ تجاوزکارانه علیه ایران انقلابی را آغاز کرده است. در چنین شرایطی، مردم و جوانان ایران عزم راسخ دارند که مبارزه عادلانه خود علیه تجاوز امپریالیسم و ارتجاع منطقه را تا پیروزی نهایی ادامه دهند.

سازمان جوانان توده ایران در دومین سالگرد پیروزی خلق کامپوچیا، حمایت و همبستگی قاطع خود را با مبارزه عادلانه آنان به خاطر ساختن کامپوچیایی نو اعلام می‌دارد و توطئه‌های امپریالیسم و رهبری مائوئیستی یکن را علیه کامپوچیایی انقلابی محکوم می‌کند. زنده باد همبستگی بین‌المللی جوانان علیه امپریالیسم، توسعه طلبی و ارتجاع!

با درودهای فراوان سازمان جوانان توده ایران ۰۹۱۰۱۶۰

سرچشمه اشتباهات

حال بسیمیم که علت اشتباهات و نآرامی‌های لهستان چیست؟ واقعیت اینستکه، تنها یک علت وجود ندارد. هر یک از علل این رویدادها بخودی خود نمی‌توانست به انفجار بیانجامد. آنچه که این انفجار را برانگیخت ترکیب - و یا همگرایی - عوامل گوناگون بود. این عوامل بیشتر خانگی است، اما پاره‌ای از انگیزه‌های خارجی را نیز نباید از یاد برد. گرچه مسلم است که نیروهای ضدانقلاب خارجی هم در این جریان دست داشته‌اند، ولی عوامل داخلی دارای نقش عمده بوده است.

کاستی‌ها و اشتباهات سونیت نیست. در واقع، اشتباهات رهبری لهستان از کمال حسن نیت سرچشمه می‌گیرد. جالب است که این کاستی‌ها در پاره‌ای از دیگر کشورهای سوسیالیستی نیز در گذشته پدید آمده است.

نیت رهبری لهستان این بوده و هست که هرچه سریع‌تر اقتصاد و صنعتی مدرن را پایه‌گذارد و از این راه در راه افزایش سطح زندگی و رفاه همگان گام بردارد. چنین نیتی نه تنها سو، نیست، بلکه ستایش‌ناپذیر است. در واقع، والاترین هدف و آماج غایی هر جامعه سوسیالیستی و حزب کمونیست هم همین است.

از سوی دیگر، چنین هدف، سیاست و عملکردی نباید کوشش کند که از روی مراحل واقعیت بجهت و آنچه را که از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی واقع‌بینانه و ممکن نمی‌نماید، نادیده بگذارد. مهم نیست که نیت تا چه اندازه خیراندیشانه بوده است، وقتی که پیش‌برد آنها به بی‌ثباتی و عدم توازن بیانجامد.

هنگامی که عوامل ذهنی بر واقعیات عینی غالب شوند، پیامدی جز عدم توازن نخواهند داشت. روش غیرواقع‌بینانه در لهستان سبب شد که میان خواست‌های شتابان و توقعات فزاینده کارگران و مردم و توانایی کسب‌تولیدی جامعه برای برآوردن آنها، عدم توازن پدید آید. در نتیجه میان برنامه‌ها، طرح‌ها و تصمیمات اقتصادی و توانایی اقتصاد برای پیشبرد آنها شکاف ایجاد شد.

میان تسریع رشد اقتصادی و نو سازی لجام گسیخته صنعتی از یکسو، و منابع، وجوه و توانایی پایه اقتصادی علمی و تکنولوژیک لازم برای پیشبرد این امر از سوی دیگر، عدم توازن پدیدار گردید. حال بسیمیم شکل مشخص این عدم توازن در لهستان چگونه بود؟

بویژه پس از ۱۹۷۰، رهبری لهستان کوشش فوق‌العاده‌ای برای تسریع روند صنعتی کردن کشور به عمل آورد. این کوشش به‌طور عمده برپایه وام‌های خارجی استوار بود. بهره‌های وام‌هایی که از اتحاد شوروی دریافت می‌شود، بسیار نازل است، در حالی که وام‌هایی که از بانک‌های ایالات متحده، آلمان غربی، بریتانیای کبیر و فرانسه وصول می‌گردد، کوتاه مدت و همراه با بهره‌های بسی‌هنگفت‌تر است.

مجموع دیون لهستان به کشورهای سرمایه‌داری بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار می‌شود، که بهره سالانه آن ۲ میلیارد دلار بوده است. لهستان بیش از یک سوم درآمد صادراتی خود را صرف پرداخت وام‌های گذشته می‌کند. برای اینکه بدانیم بانک‌های سرمایه‌داری به این وام‌ها چگونه می‌نگریستند و از آنها چگونه بهره می‌جستند، بگذارید بخشی از یکی از مقالات چندی پیش "نیویورک تایمز" را برایتان نقل کنم:

"سال گذشته، دولت لهستان در اقدامی فراگیر موافقت کرد که به بانک‌های غربی اطلاعات اقتصادی بیشتر و سریع‌تری بدهد. همچنین قرار شد که برای افزایش اعتماد (این بانک‌ها نسبت به لهستان) جریان پول به آن کشور ادامه یابد

از: گس هال، دبیر کل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا



در لهستان سرانجام سوسیالیسم است که پیروز خواهد شد!

لهستان تاثیر منفی گذارد. همه این عوامل، با همگرایی خود، به بحران لهستان منجر شدند.

تشویق مادی و

ایدئولوژی سوسیالیستی

تحولات نامبرده بنوع خود به پیدایش مسائل ناراحت‌کننده دیگری انجامید، که رهبری حزب متحده کارگری لهستان اکنون به بررسی آن‌ها مشغول

شرایط عدم توازن، مدت‌زباید می‌روند عادی و فعالیت کارآیی خود ادامه دهد. میان دستمزد و تولید، وام و تولید باید توازن برقرار باشد. بین تقاضای مصرف‌کننده و عرضه کالاها نمی‌تواند شکاف بوجود آید. باید میان صندوق انباشت، یعنی صندوقی که به پرداخت دیون، گسترش و نو-سازی صنعتی، ایجاد موسسات جدید و ذخیره لازم، تخصیص داده می‌شود از یکسو، و صندوق مصرف، یعنی منابعی که برای تأمین نیازهای مادی و فرهنگی مردم ضرور است از سوی دیگر، توازن وجود داشته باشد.

به سخن دیگر، باید، بر پایه ارزیابی واقع‌بینانه و عینی، راهی یافت که هدف بهبود سطح زندگی امروز را با هدف‌های آینده تلفیق بخشد. لازمست که نیازهای مادی و فرهنگی مردم را، نه تنها در سال مالی جاری، بلکه همچنین در سال‌های آینده برآورده ساخت. بدین ترتیب، در سوسیالیسم، مهم‌ترین هدف تولید اجتماعی باید با وسائل موجود برای پیشبرد آن، وحدت‌ساز ارگانیک داشته باشد. باید پیوسته مراقب بود که عوامل ذهنی به شرایط عینی اقتصاد، یعنی شرایطی که مستقل از اراده انسانی وجود دارد، اولویت نیابد. برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصادی باید بر پایه تحلیل عینی روندها، گرایش‌ها و امکانات رشد و توسعه استوار باشد.

در جامعه سوسیالیستی، برای دستیابی به چنین هدفی، باید توده مردم را در همه سطوح در برنامه‌ریزی، مدیریت و کارهای اجرایی شرکت داد. باید همواره به بحث، مشورت و تبادل نظر پرداخت و بویژه شرکت فعال کارگران را در تصمیم‌گیری‌های کارخانه تضمین کرد.

کارگران باید در تصمیمات پیرامون مسائل مدیریت، بهبود شرایط کار و زندگی، تخصصی منابع موجود به توسعه تولید و با مقاصد اجتماعی و فرهنگی و تشویق مادی، سهم عمده داشته باشند. اینست معنای واقعی دموکراسی سوسیالیستی و سانترالیسم دموکراتیک. به گمان ما به این امر در لهستان کمتر توجه شد.

برخی می‌پرسند: چرا مقاصد نیک و کوشش برای حداکثر صنعتی کردن کشور، از واقعیت انحراف یافت. یک دلیل را باید در نقایص برنامه‌ریزی جستجو کرد. دلیل دیگر انتقال آرزوها به برنامه‌ریزی اقتصادی و تصمیماتی بود که با واقعیت مغایرت داشت. به سخن دیگر، امیال ذهنی بر امکانات عینی غلبه یافت. در عین حال، بسیاری از مقاصد نیک و غیر-واقع‌بینانه، از احساسات ناسیونالیستی غیرواقع‌بینانه سرچشمه می‌گرفت.

عوامل دیگری که به گرایش‌های منفی در لهستان افزود، عبارتند از: خشکسالی و در نتیجه محصول نازل‌تر از میانگین، مسائل مربوط به ورود مواد خام و غلات و افزایش قیمت این گونه کالاها. قیمت فزاینده نفتی که لهستان از کشورهای "اوپک" خریداری می‌کند. بحران‌های اقتصادی در کشورهای سرمایه‌داری نیز به صادرات

و از این راه بازپرداخت وام‌ها تضمین گردد. نظارت فعالانه‌تر بانک‌ها به آنها فرصت داده است که درخواست خود را درباره تغییر سیاست اقتصادی لهستان تصریح کنند. این بانک‌ها مدت‌هاست که از سیاست لهستان درباره پرداخت کمک هزینه به تولیدکنندگان خوار وبار ناراضیند و معتقدند که این سیاست، بجای آنکه به افزایش ارزش خارجی کمک کند، مصرف را بالا خواهد برد... امکان دارد که فشار بانک‌های غربی در جریان مذاکرات اخیر بود که لهستانی‌ها را به افزایش قیمت گوشت وادار کرد، و این بنوعی خود به اعتصابات کنونی انجامید.

چنین می‌نماید که انباشت وام به حدی رسید که هرچه بیشتر کارایی خود را از دست داد و درصدها فزاینده‌ای از وام‌های جدید، صرف بازپرداخت دیون قدیم می‌شد. لهستان بخش اعظم این وام‌ها را برای ورود غلات و دیگر فراورده‌های غذایی، و خرید تجهیزات صنعتی ماشین‌آلات، ابزار یدکی و سایر وسایل تولید صرف می‌کرد. قصد آن بود که از تولید مجتمع‌های فول‌پیکر صنعتی برای بازپرداخت وام‌های نامبرده استفاده شود. اما هنگامی که موعد بازپرداخت این دیون می‌رسید بسیاری از کارخانه‌ها هنوز تولید خود را آغاز نکرده بودند.

در سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۷۰، سرمایه‌گذاری لهستان در کارخانه‌ها و ماشین‌آلات دو برابر و نیم شد. اکنون کاملاً مسلم گردیده است که چنین آهنگ سریع توسعه، پاسخگویی واقعیات و امکانات و توان راستین لهستان نبوده است.

یکی از تدابیری که دولت لهستان برای بهبود وضع اندیشید، قطع کمک هزینه‌ای بود که دولت به تولیدکنندگان گوشت می‌پرداخت. این باعث شد که قیمت مصرفی بالا رود و به یکی از عوامل تحریک اعتصاب تبدیل گردد.

در حالی که در مدت ده سال، دستمزد کارگران لهستان ۱۰۹ درصد بالا رفت، بازآوری کار آنها تنها ۵۸ درصد افزایش یافت. گرچه افزایش بازآوری به میزان ۵۸ درصد به راستی درخشان بود، لیکن نمی‌توانست افزایش دستمزدها را به مقدار ۱۰۹ درصد تأمین و توجیه کند. از سوی دیگر، افزایش دستمزدها از افزایش عرضه کالاها در بازار پیشی گرفته بود. البته، در این زمینه نیز حسن نیت انگیزنده تصمیم‌گیری بود. هدف از افزایش دستمزدها انگیزش مادی بوده است. جامعه سوسیالیستی به ترکیب مناسبی از تشویق مادی و معنوی نیاز فراوان دارد. با تحول شخصیت سوسیالیستی، تشویق معنوی اهمیت فزاینده‌ای می‌یابد.

توازن میان

عوامل عینی و ذهنی

اینک به ثبوت رسیده است که اقتصاد سوسیالیستی نمیتواند در چنین

ساختار قدرت و دستگاه حکومت باشند. این است روند گسترش پایگاه توده‌ای دموکراسی سوسیالیستی. چنین می‌نماید که در این گستره کاستی‌های در لهستان بوده است. هنگامی که بر روی انگیزش مادی بیش از اندازه تصریح شود و در مبارزه ایدئولوژیک غفلت پیش آید، چیزی جز واپس ماندگی آگاهی سوسیالیستی نمی‌توان انتظار داشت.

مردم باید درک کامل و عمیق از دشواری‌ها و مسائل و چگونگی پیدایش آن‌ها داشته باشند. آنها باید مرزهای مراحل مختلف تحول را بشناسند. مردم تنها در چنین شرایطی حاضرند که با جان و دل در راه یافتن راه حل کوشا باشند.

تحول شخصیت سوسیالیستی، که مبتنی بر آگاهی سوسیالیستی است، تنها در پرتو پیکار پیگیر، مضانه و بی‌امان صورت می‌گیرد. البته شیوه زندگی سوسیالیستی و آگاهی سوسیالیستی یک‌شبه شکل نمی‌گیرد. اعمال شیوه جدید زندگی و طرز فکر جدید، پیگیری پیچیده و دیرپا را عادات و سنن قدیم و طرز فکروورثی گذشته ایجاب می‌کند.

جامعه نو- نظام اجتماعی- اقتصادی جدید، که بر اساس مالکیت همگانی و مناسبات اجتماعی ناشی از آن استوار است و تضاد آشتی‌ناپذیر میان طبقات مخالف را از میان می‌برد - پایه عینی آگاهی سوسیالیستی را تشکیل می‌دهد. این نظام پیدایش



گس هال (دبیر کل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا) و آتجلاد بویوس (عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا)

اندیشه‌های نو و مناسبات جدید سوسیالیستی را برمی‌انگیزد.

سوسیالیسم برخورد‌های نوینی را درباره کار، اندیشه‌ها و هدف‌های اخلاقی بی‌می‌ریزد. لیکن این پدیده تنها در پرتو نبرد پیگیر و همه جانبه تحول می‌یابد.

این واقعیت که در حدود ۷۰ درصد کشاورزی لهستان هنوز خصوصی است، نه تنها تولید کشاورزی را محدود می‌کند، بلکه همچنین تسدیت است در راه تحول شخصیت سوسیالیستی.

بدیهی است که انگیزش مادی، بدون مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک، مانع عظیمی است در راه گذار به کشاورزی تعاونی و دولتی، که تنها راه توسعه کشاورزی سوسیالیستی در مقیاس بزرگ را تشکیل می‌دهد. غفلت در گستره ایدئولوژیک خلاصی پدید می‌آورد که بلافاصله ایدئولوژی‌های دیگر را به برگردن آن تشویق و زمین را برای نوع‌انصر ضد سوسیالیستی آماده می‌کند.

در لهستان، کلیسای کاتولیک نه تنها نیروی مذهبی، بلکه همچنین نیروی ایدئولوژیک است. بدون مبارزات آگاهانه می‌توان با نفوذ ایدئولوژیک کلیسا به مقابله برخاست. این بیان که حزب، در لهستان باید یار دیگر در راه برقراری مناسبات اعتمادآمیز میان مردم و حزب متحد کارگری لهستان بکوشد، انتقادی است بی‌سجده، که حزب برادر در لهستان از خود کرده است. البته باید این سؤال مهم را مطرح ساخت که: اصلاً چرا مردم اعتماد

کارگران و کارکنان سینماهای تهران هم آمادگی خود را برای شرکت در خط مقدم جبهه اعلام می دارند

صاحبان سینماها دوره آموزش دفاع غیرنظامی و دوره آتش نشانی را دیده اند. در خیابان استانبول سری به یک سینما می زنیم و با آقای ناصر شریفی مهر که در مدخل سالن انتظار به بار کردن بلیط های تماشاچیان مشغول است، راجع به مسائل مربوط به جاساز آماری رزیم صدام حسین به جمهوری اسلامی ایران صحبت می کنیم. ناصر می گوید: "ما تا دشمن متجاوز رانه عقب نرانده ایم، نباید مذاکرات کنیم و حتما پیروز خواهیم شد." می پرسیم: ناصر آقا، حاضرید به جبهه اعزام شوید؟

می پرسیم: شما چه کاری می توانید در جنگ انجام دهید؟ میگوید: "در این سینما برای مقابله با شرایط اضطراری من و یکی دیگر از کارگران دوره دفاع غیرنظامی را دیده ایم و برای مقابله با آتش سوزی آموزش دیده ایم. ولی باید این آموزش به همه داده شود. گذشته از این ما می توانیم در کارهای تبلیغاتی متمرکز باشیم. دولت باید از طریق وزارت فرهنگ و هنر فیلم های ۳۵ میلی متری راجع به انقلاب، جنگ، آموزش جنگ و کمک های اولیه تهیه کند و در اختیار ما بگذارد، که قبل از

کارکنان و مستخدمین زحمتکش سینماها نیز مثل سایر زحمتکشان کشور، علیرغم تضییقات و مشکلات فراوان صنفی و باوجود عدم تعادل عمیقاً منفی میان دخل و خرجشان، و بالاخره علیرغم رنج و شکنجه طاقت فرسای ناشی از یک زندگی فقیرانه سراپا کمبود، یکپارچه شور و درایت هستند، شوری انقلابی و میهن دوستانه شناخت درست از ذات اهریمنی شیطان بزرگ آمریکا، این سرکرده تالان گران و راهزنان بهمنه گیتی دارند. این صنف نیز همانند سایر برادران و خواهران میهن دوست خویش، با ایثاری انقلابی و با تمام توان در جبهه و پشت جبهه ایستاده اند و به دعوت رهبر آتش ناپذیر انقلاب، پاسخ مثبت داده اند. و اینک پای صحبت زحمتکشان سینماها: در توضیحات آقای محمد پور تقی، کنترلر لجی، راجع به وضع سینماهای کارکنان سینماها، نفرت و انزجار عمیق و آگاهانه یک زحمتکش نسبت به رژیم جنایت پیشه محمد رضای ملعون نهفته است:

"ما قبل از انقلاب هم سندیکا داشتیم، ولی مثل سایر سندیکا های دوران طاغوت پهلوی، کاری برایمان انجام نمیداد. ولی بحمدالله بعد از انقلاب، علاوه بر اینکه در مورد افزایش حقوقمان، اقدامات موثری انجام داده است، ماهیانه مبلغ ۴۸۰۰ ریال حق مسکن برای افراد متاهل و ۲۸۰۰ ریال برای افراد مجرد در نظر گرفته است و خواروبار و حق عائله مندی هم به ما میدهد."

وی به سوال مادر مورد آماجگی کارکنان سینماها برای شرکت در جنگ، چنین پاسخ می دهد:

"اکثر کارکنان سینماها خدمت وظیفه عمومی را انجام داده اند و یک آموزش کوتاه مسدود و فشرده می توان امکان اعزام آنها به جبهه جنگ را فراهم آورد. ولی تاکنون هیچگونه اقدامی در این مورد انجام نشده، چنانچه طرف سندیکا وجه از طرف ستاد بسیج مستضعفین، نامبرده اضافه می کند: "بعضی از کارکنان سینماها حتی بعضی از

هستند، ولی از تعداد شهدا خبری ندارم. یک کارگر هم بنام عبدالله، که در سینما فلسطین کار میکرد، الان در جبهه است. عباس افروزش ادامه می دهد: "کارکنان سینماها هم به اندازه امکانات خود کمک هایی به جنگ زدگان کرده اند. بنظر من سندیکا باید اعلامیه ای انتشار بدهد و در آن از کارکنان و اعضاء خود بخواهد که در دوره آموزشهای نظامی و کمک های اولیه شرکت کنند و در ارتباط با سازمان بسیج مستضعفین امکانات لازم را فراهم آورند."

عباس افروزش در حالیکه صدایش از تصمیم راسخ، عزم قاطع و شور انقلابی او حکایت می کند، می افزاید:

"ناقطع کامل دست امپریالیسم آمریکا از ایران، یک لحظه هم نباید درنگ کرد و در این راه هر سختی هم که ملت متحمل شود، باید بر آمریکا پیروز شد."

آری، زحمتکشان کشور ما، این توده های بی باک خاسته ای که طبق گفته امام خمینی، انقلاب متعلق به آنهاست، با هیچ گونه سازهی سازگاری ندارند و قاطعیت را از زندگی بر رنج غیبتی و از رهبرانقلاب آموخته اند:

"هر چه سختی هم که ملت متحمل شود، باید بر آمریکا پیروز شد. مدیر سینما کریستال می گوید:

"کارکنان این سینما صاحب آن تابه حال مبلغ ۲۰۰۰۰۰ (دویست هزار ریال) به جنگ زدگان کمک کرده اند و از طرف اتحادیه سینما داران نیز کمک های صورت گرفته است و رقم کمک اتحادیه مزبور به جنگ زدگان ۵۱۸۰۰۰۰ (پنج میلیون و صد و هشتاد هزار ریال) بوده است. همچنین کارکنان سینما مولین روز نیز مبلغ ۱۰۰۰۰۰ (صد هزار ریال) کمک فرستاده اند."

به کارکنان سینما و همه زحمتکشان کشورمان درود می فرستیم و به امید پیروزی قطعی و نهایی بر امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، به مبارزه ادامه میدهیم.

همین امروز منتهی...
این راه، هر سختی هم که ملت متحمل شود، باید بر آمریکا پیروز شود.
دولت و وزارت فرهنگ و هنر باید فیلم های تبلیغاتی تهیه و در اختیار ما بگذارد، ولی در حال حاضر هیچگونه تبلیغاتی صورت نمی گیرد.
محمد پور تقی، کنترلر لجی کارکنان سینماها را با یک دوره فشرده می توان آماده اعزام به جبهه کرد.



آپاراتچی سینما سپیل، با ۲۰ سال سابقه کار و ۳۰۰۰ ماهیانه ۳۰۰۰ تومان: ادامه انقلاب تا نابودی امپریالیسم آمریکا.

شروع فیلم اصلی به نمایش بگذاریم، ولی در حال حاضر هیچگونه تبلیغاتی صورت نمی گیرد. می پرسیم: آیا کسانی را از این صنف می شناسید که شهید شده یا در جبهه باشند؟ میگوید: در دوران انقلاب یک نفر از کارکنان سینما "نادر"، بر اثر انفجار بمب شهید شد. الان هم تعدادی از کارکنان سینماها در جبهه

میگوید: من دارای شرایطی نیستم که بتوانم در خط اول جبهه شرکت کنم. از این بابست ناراحت و متاسفم. ولی حاضر در پشت جبهه، هر کاری که بسود انقلاب باشد، انجام دهم. عباس افروزش: زحمتکشی که بنظر می رسد سابقه کار بیشتر در سینما دارد، نیز با اشتیاق تمام به سوالات ما پاسخ می دهد.

بروز جنگ می گوید: "این جنگ، یک جنگ تحمیلی است. این جنگ را آمریکا برنا می ریزد. جنگ به است. انتقادی که در این جنگ به رهبران کشور، غیر از امام، دارم این است که چرا در این شرایط با هم اختلاف دارند، و در اینجای حمله به عراق، به همدیگر حمله می کنند و با سرنوشت ۲۵ میلیون نفر بازی می کنند."

یکی از کارگران این کارخانه، که دو سال است در این کارخانه کار میکند و در ماه ۲۲۰۰ تومان حقوق می گیرد، در مورد جنگ می گوید:

"صدام حسین نوکر آمریکا شده و به ما حمله کرده است و آمریکا برای همین مدام به ما و اسلحه می دهد. اگر مردم و دولتی ها با هم متحد باشند، ما می توانیم عراق را شکست دهیم. ما همه حاضر به جنگیم." یکی از کارگران زن این کارخانه، که ۵ سال سن دارد و دو سال است در این کارخانه کار می کند و کارش بسته بندی دارو است، در مورد جنگ تحمیلی می گوید:

"عراق خودش به تنهایی نمی توانست این جنگ را راه بیاندازد. در این جنگ اصلاً آمریکا است. عراق به خاک ما آمده و مدام غیرنظامی ها را می کشد، و حال هم می خواهد آتش بس بدهد. با وجود اینکه پسر خودم سرباز است آتش بس را قبول ندارم. با دیدن عراق شکست بخورد و سرجای خودش برگردد، تا آتش بس برقرار شود."

در حال حاضر ۵ نفر از کارگران این کارخانه در جبهه های جنگ بسر می برند، تعداد دیگری از کارگران نیز ثبت نام کرده اند، تا به جنگ بروند. و این نشان می دهد که:

کارگران این کارخانه، به عنوان بخشی از طبقه کارگر قهرمان ورزنده ایران، در راه انقلاب، چه در عرصه جنگ و چه در عرصه تولید، حاضر به همه گونه فداکاری و جان بازی هستند.

بجاست که مسئولین دولتی کارخانه و وزارت کار در رسیدگی به خواست های این کارگران بیشتر بکوشند و حقوق مسلم و غصب شده شان و آبه آنها بازگردانند.

کارگران کارخانه داروسازی برلیمید:

ما همه حاضر به جنگیم!

این جنگ را آمریکا برنا می ریزد

کارخانه های دیگر است. تماس همیشگی کارگران این کارخانه با بعضی مواد دارویی برای آنها خطرناک است و برای آنها ضرر دارد. در بعضی کارخانه های دیگر دارو سازی به علت این امراض اضافه حقوق بیشتری به کارگران می دهند. ولی در این کارخانه، این کار انجام نمی شود. با این حال، با وجود اینکه این اواخر، به علت کمبود برق، اضافه کاریها قطع شده و درآمد کارگران نسبت به قبل کمتر شده است، ما زیاد روی اضافه حقوق یا فشاری نمی کنیم و حاضریم فعلا قدا کار می بکنیم، چون حال کشورمان در جنگ است.

تا خرید پروازها، میزان ذخیره مواد اولیه مان روبه کاهش می رود، به این علت ممکن است در آینده تولیدمان کاهش یابد. بجاست که مسئولین دولتی به ورود مواد اولیه دارویی، با توجه به نیاز شدید کشور در شرایط کنونی، نسبت به واردات دیگر اولویت بیشتری بدهند. علاوه بر این، با یه بانک های کشور نیز در مورد باز کردن اعتبارها با همکاری بیشتری بکنند."

(۳) پاک سازی عواملی که در ارتباط با هیئت مدیره آلمانی قبلی بوده اند و اکنون نقاب زده اند و در کارخانه کارشکنی می کنند.

در این کارخانه متاسفانه هنوز سندیکا و یا شورا تشکیل نشده است ولی کارگران در صدد هستند که با توجه به لایحه قانونی، شوراها، شورای خود را تشکیل بدهند."

ما برای عملی شدن این خواستها با هیئت مدیره کارخانه جلساتی داشته ایم و آنها قول داده اند که به این خواست ها رسیدگی کنند."

نماینده کارگران در مورد مشکلات کارگران کارخانه میگوید: "ما قبلاً با هیئت مدیره آلمانی کارخانه بر سر میزان حقوق، اضافه کاری و خواست های دیگر، مثل ایجاد مهدکودک و زمین ورزش در کبیریه های زیادی داشتیم. ولی کار زیادی نمی توانستیم بکنیم، تا اینکه تیرماه گذشته، برای این کارخانه هیئت مدیره دولتی تشکیل شد و مقداری از خواست ها همان بزر آورده شد. ولی هنوز خواست های داریم که عملی نشده است مثل:

"از طرف این کارخانه تاکنون مقداری دارو به هلال اخمر و کمیته امداد امام داده شده است خود کارگران هم برای جنگ مقداری پول جمع کردند. چندی قبل هم از سیاه پاسداران خواستیم که بیایند و کارگران را آموزش نظامی بدهند. آنها هم آمدند و در مدت دو هفته سی نفر را آموزش نظامی دادند. ما باز هم از آنها خواستیم که ما بیایند و تعداد بیشتری از کارگران را آموزش دهند."

(۱) ایجاد مهدکودک و زمین ورزش با توجه به اینکه در این کارخانه در حدود ۵۰ کارگر زن وجود دارند، که بیشترشان بچه دارند.

نماینده کارگران در مورد چگونگی

(۲) تسهیلات کاری و اضافه حقوق بیشتر نسبت به کارخانه های دیگر کشور، زیرا ما کارمان مشکل تراز کارگران

کارخانه داروسازی برلیمید ایران (تهران) دارای ۱۵۰ کارگر و کارمند است، که از ساعت ۷ صبح تا ۴ بعد از ظهر در این کارخانه کار می کنند. تا تیرماه گذشته، این کارخانه در اختیار شرکت شرینگ آلمان قرار داشت و تحت نظارت هیئت مدیره آلمانی اداره می شد. ولی در تیرماه گذشته از طرف وزارت بهداشت و وزارت صنایع و معادن یک هیئت مدیره دولتی برای این کارخانه تعیین شد. کارخانه هنوز مصادره و یا ملی نشده است و از نظر مالکیت بلاتکلیف است.

قراراتی که در مجلس شورای اسلامی در مورد وضع مالکیت کل کارخانه های داروسازی کشور، که در حدود ۱۵ شرکت هستند، لایحه ای تصویب شود و وضع مالکیت آنها روشن شود.

مواد اولیه کارخانه های داروسازی کشور، و از جمله این کارخانه، از خارج وارد می شود، زیرا از لحاظ صنعت داروسازی هنوز کشور خودکفا و مستقل نیست ولی در مورد قطع وابستگی این صنعت به کشورهای امپریالیستی، تاکنون اقداماتی صورت گرفته است. یکی از اعضای هیئت مدیره این کارخانه در این مورد می گوید:

"مواد اولیه این کارخانه را قبلاً از شرکت شرینگ که یک شرکت بزرگ و چندملیتی بود، می خریدیم. ولی کنون این شرکت مواد اولیه را به ما بسیار گران می فروخت، منابع دیگری را در کشورهای سوئیس و ایتالیا و کشورهای سوسیالیستی برای خرید شناسایی کردیم و اکنون ما قسمت اعظم مواد اولیه مورد نیازمان را از این منابع و بسیار ارزانتر می خریم."

وی در مورد میزان تولید کارخانه پس از انقلاب میگوید:

"در این کارخانه، پس از انقلاب، با همکاری کارگران تولید افزایش یافته است. در شرایط کنونی هم میزان تولید داروهای را که به علت جنگ مصرفشان افزایش یافته و ما می توانیم آنها را تولید کنیم، افزایش داده ایم. با این حال، با شروع جنگ به علت

داراب: اقدامات مفید هیئت ۷ نفری باید قاطعانه ادامه یابد

جمله اقدام کارشکنانه ترتیب دادن راهپیمایی روز دوشنبه ۵۹/۷/۲۱، باعث شد که بطور موقت هیئت ۷ نفری کار انقلابی و مردمی واگذاری زمین را در منطقه داراب تعطیل کند. با توجه به موقعیت کشور و ضرورت ادامه واگذاری اراضی، بخصوص در مورد بعضی از اراضی، که بر سر آن اختلافاتی وجود دارد و رفع اختلافات فقط از عهده هیئت ۷ نفری برمیآید، و با توجه به دستگیری عده ای از زمینین و ضدانقلابی راهپیمایی اخیر، هیئت ۷ نفری در چه زودتر باید ادامه کار را شروع کند. در اینجا حتی مانع بند "ج" هم وجود ندارد و عمل قاطع و سریع هیئت هفت نفری، اقدامی خواهد بود بسود انقلاب و برای ریشه کنی مراکز فساد و اخلاقی ضدانقلابی. اقدامی خواهد بود بسود دهقانان و عشایر زحمتکش.

کارواگذاری برای عده اخیر را نیز شروع کرده و به آنها گفته بود: در صورتیکه قول بدهید ساکن شوید و روی زمینها کار بکنید و این زمینها معطل نماند، زمین بشما واگذار میشود. در غیر این صورت، این زمینها به کسانی داده میشود که روی آن کار کنند. این بیان مختصری است از کار بسیار مفید هیئت در این منطقه عشایری. زمینهای وسیع و قابل کشت منطقه گزطوبله، که بصورت منابع طبیعی و در مالکیت دولت است، مثل بسیاری از اراضی مشابه دیگر در منطقه داراب، از طرف هیئت ۷ نفری به اهالی منطقه واگذار شده و یا در حال واگذار شدن بود. متأسفانه کارشناسی بیایه، که در کار این هیئت شد، و از

گزطوبله منطقه ایست عشا یونشین، که در یکصد کیلومتری جنوب شرق داراب واقع شده است. وسعت این منطقه هزاران هکتار است، که در قسمت وسیعی از آن سفره آب زیرزمینی آن شور شده است، ولی در همین حال دارای بیش از هزار هکتار زمین مسطح و شیرین و قابل کشت است، که از سفره آب زیرزمینی مناسبی برخوردار است. در حال حاضر حدود ۳۰۰ خانوار در آن منطقه ساکن هستند، که حدود ۱۵ سال است اسکان یافته اند. حدود ۱۰۰ خانوار دیگر از همین عشا یردر حال آبیاب و ذهاب هستند. محل سکونت آنها را چادرهای عشا یری تشکیل می دهد. آنها فاقد خانه های گلی، مدرسه، درمانگاه، آب آشامیدنی، حمام و غیره هستند. آنها می گفتند: "در زمان طاغوت ما حتی از این زمینها برای چرای دام هم نمیتوانستیم استفاده کنیم. بجز مساحت کوچکی از این زمینها، که اهالی میگویند زرخیز است و دیدم کاری میکنیم، بقیه اراضی هیچوقت کشت نشده است. بجز دو نفر، بقیه بیسواد هستند.

هیئت ۷ نفری واگذاری اراضی، همانطور که در مورد بسیاری از اراضی، داراب عمل کرده بود، در گزطوبله نیز بیش از ۵۰۰ هکتار از اراضی مرغوب آنجا را به نمایندگان همان دیفر با سواد، به ۳۰ خانوار ساکن آنجا واگذار کرده است، که با حق ۷ طلقه چاه و استفاده از وام بانک تعاون کشاورزی به کشت و زرع بپردازند. یک حلقه از این چاهها جهت آب آشامیدنی و بهداشت و لوله کشی در نظر گرفته شده است، که پس از شروع کار کشت و زرع، برای آنها خانه و مدرسه و دیگر تاسیسات مورد لزوم به تدریج ساخته شود. در حال حاضر این چاه جفر و موتور و پمپ بروری آن نصب شده است. درگیری مختصری بین این عده ساکن و آن عده که آبیاب و ذهاب میکنند، بر سر تصاحب زمینها، وجود دارد. هیئت ۷ نفری، بنا به وظیفه انقلابی خود،



لایحه قانونی واگذاری اراضی را تمام و کمال و هر چه زودتر اجرا کنیم و ریشه عده سرطانی بزرگ مالکی را برکنیم

هر چه زودتر زمینهای زراعی را در کردستان به دهقانان بدهید

جمهوری اسلامی ایران گردید. البته هیئت های هفت نفری در شهرستان سنندج و بخش دیواندره تشکیل شده اند و مشغول تحقیق در باره زمینهای فئودالها هستند، اما تاکنون دست به اقدام عملی نزده اند. برای نمونه در روستاهای بلبان آب دوامیر و آبادو پشیران، واقع در بخش گارودا منطقه کامیاران، هنوز زمینهای فئودالها دست نخورده باقی مانده است. این روستاها در دست نیروهای انقلاب هستند و از خرابکاری فئودالها و گروهکهای امریکائی عامل آریابان بدور اند. با بیدر عمل نشان داد که هر جا انقلاب هست، زمین به دهقانان داده میشود و این ضد انقلاب و آریابان و گروهکهای امریکائی هستند که مانع کار میشوند. مردم انتظار دارند که هیئت های هفت نفری به وضع فئودالها رسیدگی کنند. اخیراً ایادی فئودالها اطلاعیه های رسمی را در مورد بند "ج" بهانه قرار داده اند و تبلیغ میکنند که کارواگذاری زمین متوقف شده است و دیگر دهقانان نباید به چگونگی انتظاری از دولت انقلاب داشته باشند. مردم کردستان از مسئولین امور انتظار دارند که با تاکید مجدد بوجود و فعالیت هیئت های هفت نفری و تدابیر امر واگذاری زمین، این تبلیغات را خنثی سازند و با عمل مشخص خود، یعنی گرفتن زمینهای فئودالی و واگذاری آنها به دهقانان، پاسخ دندان شکنی به آریابان و سخنگویان آنها بدهند و انقلاب را با پیوستن توده دهقانی به صفوف آن قدرتمند و شکست ناپذیر سازند.

کارواگذاری زمین مالکین بزرگ به دهقانان بی زمین و کم زمین یک امر بسیار حیاتی برای انقلاب ایران است. ولی در مورد روستاهای کردستان هنوز اقدام جدی در این زمینه بعمل نیامده است، اگر چه این استان بسیار حساس است و نقش فئودالهای ضد انقلابی و امریکائی زده در ایجاد اغتشاش و درگیری بسیار چشمگیر است. مردم کردستان اطلاع دارند که در شهرستانهای استهبان، کرمانشاها، بخصوص سنقر، کلیائی، هیئت های هفت نفری زمین های بزرگ مالکان را بصورت مشاع به دهقانان بی زمین و کم زمین واگذار کرده اند، بنا بر این منتظرند که در سایر مناطق کردنشین مجاور هم این امر تحقق پیدا کند. هیچ دلیلی ندارد که در دو منطقه مجاور، دوسیاست، یکی بنفع دهقانان زحمتکش و دیگری بسود مالکان غارتگر و توطئه ساز آلت دست امریکاء، اجرا شود. متأسفانه بعلت ناامنی منطقه و وجود ضدانقلابیون مسلح، هیئت های ۷ نفری نمیتوانند همه روستاها بروند، اقدام ضد انقلابی اخیر فئودالها، که گروهی مرکب از اعضای هیئت ۷ نفری و اعضای جهاد سازندگی را دستگیر کردند و گروهگان گرفتند حدت این مسئله را نشان میدهد، اما در مناطقی هم که در اختیار نیروهای انقلاب است، تاکنون در زمینه واگذاری زمین اقدام جدی نشده است. در صورتیکه لازم بوده و هست که هر چه زودتر دهقانان با شمرات انقلابی شوند و با کسب زمین، از دل و جان حامی

کوک: اجرای قانون اصلاحات ارضی و تامین وسایل کشت، راه رهایی دهقانان تهیدست از فلاکت

تا مین برق، که در فاصله کمی از روستا قرار دارد، به جهاد سازندگی و اداره برق مراجعه کردیم، لیکن تاکنون نتیجه ای نگرفته ایم. آب آشامیدنی هم نداریم، فقط از بیس ما ندفنات روستای دیگر، که از جوی کثیفی میگذرد، استفاده می کنیم. در شرایط حساس و حیاتی کنونی، چرا باید در نزدیکی تهران، اراضی مزروعی زیادی با بیروکشت نشده بمانند؟ هیئت هفت نفری باید هر چه زودتر وضع این اراضی رسیدگی و آنها را رسماً به دهقانان تهیدست و زحمتکش واگذار کند، و در این حال فولید کار تعاونی را برای روستائیان توضیح دهد و با کمک جهاد سازندگی ترتیب حفر چاه و تامین آب زراعی و آشامیدنی مورد نیاز روستائیان را بدهد. تا مین زمین، آب و وسایل کار برای دهقانان زحمتکش، راهی است بسوی تقویت پشت جبهه جنگ و نیز جبهه انقلاب بزرگ ما.

روستای کوک در غرب اتوبان بهشت زهرا به قم قرار دارد. این روستا، که بصورت قلعه ای ساخته شده است، حدود ۳۰ خانوار از مردم محروم را در بر میگیرد. اطراف روستای کوک را زمینهای وسیعی قرار گرفته است، لیکن بعلت فقدان آب، زمینها بایر مانده اند. بهنگام گفتگوی روستائیان زحمتکش، آنان میگویند: "جهت امر ما را معاش مجبوریم به شهر برویم، تا شکم زن و بچه های خود را با لقمه ای نان بخور و شمیر، که از راه کارگری بدست میآوریم، سیر کنیم." در باره علت بایر ماندن اراضی اطراف روستا میگویند: "آب نداریم، اگر چند حلقه چاه داشتیم، میتوانستیم با کشت این اراضی، هم خود را از این فلاکت نجات دهیم و هم در کار توسعه کشاورزی، مملکت سهمیم باشیم." روستای کوک فاقد برق و آب آشامیدنی است. روستائیان در این مورد میگویند: "... تاکنون چند بار جهت

دهقانان با اطمینان بیشتری به کشت و کار خواهند پرداخت. این کار در برابر لایردن میزان محصول نقش بسزائی خواهد داشت. جعفر قلی از اینکجه جهاد سازندگی تاکنون به دهقانان سر نزده است، کله میگرد. زیرا این روستا هم مثل بقیه روستاهای میراث تمدن بزرگ "محمد رضای ملعون، فاقد امکانات بهداشتی و درمانی است. روستائیان فخرآباد تاکنون کمکهای زیادی به جبهه جنگ تحمیلی صدام کرده اند. حدود ۳۰۰۰۰ تومان پول نقد، چند تراش کوفتند، حدود ۵۰۰ هزار تومان کشمش و گندم از کمکهای این روستا به جبهه بوده است. روستائیان فخرآباد برای پیروزی در این جنگ تحمیلی، از بذل جان خود نیز دریغ نمیورزند. این روستائیان از سیاه پاسداران تقاضا کرده اند که به آنها آموزش اسلحه بدهد، که متأسفانه تاکنون اقدام لازم بعمل نیامده است. نمونه فخرآباد هم ثابت می کند که فعالیت هیئت های هفت نفری باید قاطعانه ادامه یابد و تعویق موقتش به کار انقلابی و موثر هیئت ها کمترین صدمه ای نرزد. سود انقلاب در این است

روستائیان فخرآباد با وجود مشکلات زیاد، از انقلاب دفاع می کنند

تقسیم کردند و قرار است که چند روز آیند، اسناد رسمی مالکیت زمین را به دهقانان ستم دید ه این روستا بدهند. هیئت هفت نفری همچنین در روستای فخرآباد اقدام به تشکیل شورای ده، که دهقانان کم زمین و بی زمین در آن گرد آمدند، کرد. ماست. جعفر قلی بزرگ یکی از اعضای شورای پنج نفره روستای فخرآباد است، که از فعالیت هیئت هفت نفری رضایت خاطر داشته جعفر قلی میگفت که تقسیم زمین بین دهقانان به تنهایی نمیتواند موجب افزایش محصول و بهبود زندگی دهقانان گردد، بلکه دولت باید در حد امکان خود کمکهای لازم مالی و فنی را در امور کشت و زرع به دهقانان بکند. کم آبی از مشکلات مهم روستای فخرآباد است. بعقیده جعفر قلی، عضو شورای ده، اگر آب بند محکمی بر روی بند آسیاب فخرآباد توسط دولت که حتماً با همیاری دهقانان منطقه همراه است، زده شود،

روستائیان فخرآباد از سیاه پاسداران تقاضا کرده اند، تا به آنها آموزش اسلحه بدهد. دهقانان از کار هیئت ۷ نفره راضی اند، اما توقع کمکهای مالی و فنی از دولت دارند. در جنگ تحمیلی رژیم جنایتکار صدام از بذل جان دریغ نمی ورزیم. روستای فخرآباد در ربوانات فارس واقع است. این روستا در گذشته عرصه تاخت و تاز ملاکین بزرگ بوده است. بعد از پیروزی انقلاب بزرگ میهنمان و همچنین شکست سیاست فئودالها و زمینداران بزرگ، که در وزارت کشاورزی دولت موقت لانه کرده بودند، طرح انقلابی اصلاحات ارضی به تصویب شورای انقلاب رسید و، بدنبال آن، هیئت های هفت نفری روانه روستاهای طاغوت زده میهنمان شدند. هیئت هفت نفری از جمله به روستای فخرآباد آمدند و زمین را میان روستائیان

نورالدین
کیانوری
پرسش
و
پاسخ



شورا انقلابی خلق قهرمان ما برای مقابله با دشمنان جمهوری اسلامی ایران، بزرگترین وثیقه تأمین پیروزی سریع است

ما خود را در نگرانی‌های آیت‌الله منتظری و دیگر مقامات مسئول درباره پی آمدهای ناشی از طولانی شدن جنگ شریک می‌دانیم

چرا حزب توده ایران نظر خود را در باره برخی از شخصیت‌ها تغییر داده است؟

همه او نبود. چند نفر دیگری هم بودند که به همین حساب، به آن‌ها رای دادیم. مثلاً به آقای حبیبی در انتخابات ریاست جمهوری، و به عسکری در دیگری از افراد منتسب به روحانیت مبارز در تهران و در شهرستان‌ها در انتخابات مجلس. یعنی حساب آن‌روز ما حساب دقیق، منطقی و صحیحی بود و این آن افراد هستند که با چهره سیاسی خود را تغییر دادند و با آن که چهره واقعی‌شان در آن زمان برای ما مشهود نبود. حتی افرادی هستند که زمانی با ایمان کامل توده‌ای بودند و بعدها چهره سیاسی‌شان را عوض کردند و احتمالاً هم خائن از آب درآمدند. طبعی است که برخورد ما با این رفقای سابق هم تغییر پیدا می‌کند و کسانی را که پیش از این رفیق بودند و رفیق‌شان می‌نامیدیم، الان خائن بدانیم. این مسئله‌ای است که تنها مربوط به سازمان ما نمی‌شود. مگر همین آقای بازارگان نبود که نمی‌توانست تا آخرین لحظه دوست عزیز و دیرینه‌اش، بختیار رافراموش کند و هنوز هم نگفته که او خائن است. خوب، شناخت احزاب و گروه‌های سیاسی هم به همین ترتیب می‌تواند تغییر پیدا کند. درست این است که ما در هر لحظه بر اساس شناخت موجود تصمیم بگیریم. نه آن که ادعا کنیم که ما علم غیب می‌دانیم و از حال می‌توانیم بدانیم که فلان کس سبیل دیگر موضع گیری سیاسی خود را تغییر خواهد داد یا نه. این هم درست نیست اگر قهیدیم کسی که به او اعتماد کردیم و به نفع او رای دادیم حالا پالانش کج درآمده یا جایزاً عوض کرده، یا شناخت شده است، حالا برای این که حرف ما بد در نیاید در باره او موضع گیری نکنیم. ما درباره بسیاری از شخصیت‌های سیاسی ممکن است به تناسب موضع گیری‌های خود آنها چندین بار تغییر موضع بدهیم. ما نمونه افرادی را داریم که برخورد اول ما نسبت به آنها خیلی منفی بود و بعد در نتیجه تغییراتی که در سیاست آنها عملاً پدیدار شد، ما موضع خود را نسبت به آنها تعدیل و یا تغییر دادیم. مگر تا کنون کسی انقلابی‌تری از لنین سراغ داریم؟ خود لنین چندین بار سرخورد سیاسی خود را با "اس. ار. ها" و تروتسکی، به نسبت عملکرد سیاسی آنها تغییر داد.

به این ترتیب ما فکر می‌کنیم در این زمینه اشتباه نکردیم. دوستان ما باید این را عمیقاً درک کنند که دیگر این سوالات برایشان مطرح نشود. حزب روی این برداشت هست که همیشه موضع گیری خود را نسبت به شخصیت‌ها و جریان‌های سیاسی، مشخص می‌کند. مسئله‌ای که برای دیگران هم همین‌طور مطرح است. مثلاً به موضع گیری‌های سازمان چریک‌های فدایی خلق "اکتبر" در سال پیش نگاه کنید. به عقیده ما این سازمان در سال پیش، "گولمه" و "پیکار" و "خط چهارم" و "دمکرات" های طرفدار قاسم‌لو همه "انقلابی" بودند و فقط با آن‌ها می‌شد همکاری کرد. در حالی که حزب توده ایران و تمام روحانیت مبارز، خارج از صف انقلاب بودند، و عوامل امپریالیسم حساب می‌شدند! خوب، حالا کار به جایی رسیده است که این سازمان به مجاهدین نامه سرگشاده می‌نویسد، ما این موضع گیری را درست می‌دانیم. و این تغییر را مثبت می‌شمردیم. و از آن استقبال هم می‌کنیم. چریک‌ها در این نامه بخصوص به اشتباهاتی که در گذشته کرده‌اند با کمال روشنی و صداقت اعتراف کرده‌اند. این نشانه‌های مثبتی است. ما موضع خود را در برابر لیبرال‌ها در گزارش پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی با تمام صراحت اعلام کردیم و گفتیم که این‌ها از انقلاب روی گردان خواهند شد و حتماً به طرف همکاری با ضد انقلاب خواهند رفت. ما خاطرنشان ساختیم که این پدیده، پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است و آن را با قاطعیت کامل پیش‌بینی کردیم.

به این ترتیب، وقتی که ما برنامه جنبه متحد خلق را مطرح کردیم، در عین حال گفتیم که لیبرال‌ها در این جنبه باقی نخواهند ماند و به این جنبه ضد امپریالیستی و ضد استبدادی که زمانی در آن شرکت داشتند، پشت خواهند کرد. خوب، ما در آنجا نسبت به شخصیت‌های مثبتی شناخت نادرست داشتیم، این شناخت‌های نادرست حتی در جهت مخالف هم بود. یعنی کسانی که ما در آن تاریخ خیال می‌کردیم منفی هستند، بعد در تجربه معلوم شد که نه، آن‌ها مثبت هستند. این که مزب در باره افراد اشتباه ارزیابی بکند غیر عادی نیست. آن چه خطرناک‌تر است، آن است که درباره نقش طبقات و جریان‌های سیاسی دچار اشتباه شویم و ما خوشبختانه در این زمینه در دوران انقلاب دچار اشتباهی نشده‌ایم و برعکس ارزیابی‌هایمان در همه این موارد درست از آب درآمده است.

ولی این که آیت‌الله منتظری، که مقام و شخصیتش در جمهوری اسلامی به‌طور بارز روشن است، به این شکل به‌طور خیلی علنی مسئله را به این شکل مطرح می‌کند برای ما هم به‌طور جدی نگرانی ایجاد کرده است که واقعا چه سیاست هست؟ آیا علت واقعا عدم امکان، از لحاظ تجمیع نیرو، تمرکز و تدارکات است، سستی و تعلل است و یا این که سیاست‌های معینی مانع پیشرفت است. در هر حال ما معتقد هستیم که به درازا کشیده شدن جنگ بین ایران و عراق، امکانات بیشتری را در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار می‌دهد تا بتواند فشارهای گوناگون دیگری را بر ایران وارد آورد. مثلاً این‌طور که رسانه‌های گروهی آمریکا خبر می‌دهند، مشاوران ریگان پیشنهاد کردند که بنادر ایران، از جمله جزیره خارک، من‌گذاری شود، از طرف دیگر کامی دانه‌های تحریکات عراق در کردستان افزایش یافته است و ضد انقلاب در بلوچستان هم فعالیت‌های خود را شدت بخشیده است. بدین ترتیب، ارتش مجبور است مقداری از نیروهای مسلح و تدارکاتی خود را در این مناطق نگه دارد، از این جهت است که ما هم در این نگرانی آیت‌الله منتظری و مقامات دیگر مسئول جمهوری اسلامی شریک هستیم و امیدواریم که در روزها و هفته‌های آینده این مسائل روشن‌تر بشود و مردم از این نگرانی روزافزون بیرون بیایند.

س: آیا شما تازه به مبارزه علیه لیبرال‌ها دست زده‌اید یا این که آقای مهندس سبحانی اخیراً لیبرال شده است؟ چون آقای مهندس سبحانی جزو کسانی هستند که شما در جریان انتخابات مجلس شورای اسلامی به آن‌ها رای دادید.

ج: ببینید، ما دو مسئله را با هم دیگر به هیچ‌وجه نباید قاطعی بکنیم. این‌جا مسئله لیبرال شدن یا جریان تبدیل شدن به لیبرال، ختم رنگ‌زنی نیست که امروز کسی را بگیرند و او را توی خمره بیاورند و او را لیبرالی بگیرند. موضع گیری‌های سیاسی ما همان‌طور که گفتیم، در درجه اول، مربوط است به موضع طبقاتی افراد در جامعه. می‌گوییم در درجه اول، نه به‌طور مطلق، زیرا این‌طور نیست که افراد به نسبت ارتباط و وابستگی طبقاتی خود همیشه موضع گیری‌شان هم مانند طبقه‌های باشد، که از آن برخاسته‌اند. برای نمونه ما می‌دانیم که طبقه بزرگ مالک جزو طبقاتی است که مانند سرمایه‌داران بزرگ در کشورهای وابسته، استعمارزد و منبهمه مستعمره جزو همدستان امپریالیسم و استعمار جهانی هستند. ولی در میان این مالکین بزرگ وابسته، عناصری هم پیدا می‌شوند که دارای موضع گیری ضد امپریالیستی هستند، مثل دکتر مصدق، در عین حال که فردی از خانواده اشرافی قدیمی ایران بود و خود بزرگ مالک محسوب می‌شد، ولی موضع گیری ضد امپریالیستی بگیرد و قاطع داشت و تا آخر هم در این راه خود را صاف رساند و از این جهت هم هنوز فوق‌العاده مورد احترام مردم ایران است. این پدیده فقط محدود به ایران نیست. در جنبش‌های انقلابی جهان همیشه عناصر انقلابی بوده‌اند که از طبقات مستقر برمی‌خاسته‌اند، ولی به طبقه خود پشت کرده‌اند و در جهت منافع خلق قدم برداشته‌اند. عکس آن هم پیدا می‌شود که افرادی از طبقه کارگر برمی‌خیزند، که به‌طور کلی انقلابی است ولی در خدمت دشمنان این طبقه درمی‌آیند و خود را به آن‌ها می‌فروشند. این‌گونه کارگرهای خودفروخته هم در ایران هستند و هم در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته.

به این ترتیب، ما به این مسئله این‌طور برخورد نکنیم که مایه لیبرال رای دادیم چون آن‌روز با لیبرال‌ها موافق بودیم، ولی حالا مخالفیم. مسئله به این شکل نیست. در آن روزی که به عناصری غیر از حزب توده ایران در انتخابات رای دادیم، این امر بر پایه موضع گیری سیاسی آنها به تناسب شناخت آن روز ما از آنها بود و بر اساس سوابق که آنها داشتند. این که صرفاً کسی خود سهمی در کارخانه داشته باشد، حتماً به هنای آن نیست که لیبرال باشد. برای این که همان‌طور که گفتیم خوب، دکتر مصدق هم پیدا می‌شود که آدم خیلی ضد امپریالیستی است، ولی در عین حال مالک بزرگی هم هست. علاوه بر این ما تصمیم خود را همیشه بر پایه شناخت فعلی خود استوار می‌سازیم. به این ترتیب ممکن است که در آن وقت شناخت ما این بود که مهندس سبحانی، یا سابقه‌ای که در زندان داشته و با آشنایی که به روحیات او در زندان بوده است، فرد مبارز ضد امپریالیستی است و می‌تواند بالقوه در جنبه متحد خلق قرار بگیرد. ما با این حساب، یعنی با یک حساب درست منطقی به او رای دادیم و تنها

روزی ۱۱ دی ماه سال ۱۳۵۹ جلسه معمولی پرسش و پاسخ با حضور رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران برگزار شد. رفیق کیانوری به پرسش‌هایی که شرکت‌کنندگان در جلسه پیرامون مسائل گوناگون مرحله کتونی انقلاب مطرح کردند، پاسخ گفت. بخش اول این پرسش و پاسخ، در زیر درج می‌شود.

س: با توجه به پیام آیت‌الله منتظری به روحانیت خوزستان که در آن در مورد امر دفاع کشور ایران نگرانی شده بود، شما فکر نمی‌کنید که اختلاف در سطح رهبری موجب کوتاهی و یا تسامح و یا طولانی تر شدن جنگ بشود؟ سؤال دیگر این که جنگ در هفته گذشته از جانب ایران فرسایشی بوده است. آیا لیبرال‌ها و فرماندهان کورا در این ساله منافعی دارند یا نه؟ در صورتی که این امر منفعتی برای آن‌ها نداشته باشد، می‌توانیم به حرف مسئولان باور کنیم که این یک تاکتیک برای تهاجم وسیع در آینده است؟

ج: در باره جنگ و اظهار نظره‌های گوناگونی که در باره آن شده است، البته ما اطلاع دقیقی از واقعیت صحنه جنگ و وضع نیروهای خودی و دشمن نداریم که بتوانیم قضاوت مشخص و بدون تردید در این زمینه بکنیم. این کار آن نهادهایی است که در مسائل جنگ و دفاع از کشور مسئولیت دارند، صاحب نظر هستند و اطلاعات دقیق هم از همه جوانب کار در اختیارشان هست. البته این مسئله، این بحث در هفته‌های اخیر خیلی زیاد شده است. شاید هم علتش این باشد که از طرف فرماندهی کل قوا چندین بار وعده وارد آوردن ضربات متقابل داده شد. همچنین در اخبار و اعلامیه‌های مختلف هم چنین وعده‌هایی داده شده است. طبیعی است که چنین وعده‌هایی همه را در انتظار نگه می‌دارد. بخصوص آن که، همه مردم علاقمند هستند که هر چه زودتر متجاوزین از خاک ایران بیرون رانده بشوند و به تجاوز دارو دسته صدام حسین ضربه دندان شکنی وارد آید. قهرمانی‌هایی که مبارزان ایرانی تا کنون در صحنه جنگ نشان داده‌اند این انتظار را دوچندان می‌کند. ولی البته این را هم باید در نظر داشت که، از یک سو، در لحظه آغاز جنگ از طرف ایران از نظر تدارکاتی و نظامی آمادگی برای چنین جنگی وجود نداشت و از سوی دیگر، جهت مقابل از مدت‌ها پیش نقشه چنین تجاوزی را کشیده بود. یعنی یک ارتش متجاوز در لحظه ناکهانی به کشوری حمله کرده است که هیچ گونه آمادگی برای چنین حمله‌ای را نداشته است. ما در این‌جا در این باره بحث نمی‌کنیم که عدم آمادگی ایران برای چنین حمله‌ای چه علتی داشت و این مسئله را با می‌گذاریم تا بعد از جنگ. برای این که بحث و مدارک مفصلي در این زمینه وجود دارد، و می‌توان انتظار داشت که در آینده یکی از مسائل مهم رسدگی به عملکرد مسئولان باشد. البته آقای بنی‌صدر در "گازنامه" خود نظر خود را در باره این عدم آمادگی با صراحت گفته و تقصیر آن را درست به گردن آن کسان و نیروهای انداخته است، که در صحنه سیاسی در مقابل ایشان قرار دارند. البته رسیدگی دقیق و همه جانبه مسئله عدم آمادگی در برابر تجاوز دارو دسته صدام حسین امری است ضروری، که باید زیر نظرارت مردم انجام گیرد و به هیچ وجه نباید حقایق را از آنها پنهان نگه داشت. ولی به هر حال، این واقعیتی است که ایران فاقد چنین آمادگی بوده است و اگر ما توانستیم که خیلی زود از پشت‌پشت تهاجم تدارک دیده جلوگیری کنیم، این را مدیون شور انقلابی عظیم و بی سابقه‌ای هستیم که همه مبارزان ضد تجاوز آمریکا - صدام با ابراز نفاکاری و جانبازی فراوان از خود نشان می‌دهند.

این که در جریان این جنگ سستی‌هایی وجود داشته، خیانت‌هایی وجود داشته و حتماً هنوز هم ممکن است وجود داشته باشد، ما این را از زبان نماینده امام در شورای عالی دفاع، آقای خامنه‌ای، یکی دوبار به‌طور صریح شنیده‌ایم. خود رئیس جمهور هم در بعضی از بیانات خود صریحاً با تلویحی از این گونه نقاط ضعف یاد کرده است. حالا حدود این کمبودها، این سستی‌ها، این سستی‌ها و ضعیف‌های آنها، چقدر بوده و تأثیر این گونه عوامل درباره تعویق حمله متقابل نیروهای مسلح تا چه حد است. در این باره ما به هیچ وجه، با اطلاعاتی که داریم، نمی‌توانیم قضاوت بکنیم و صحیح هم نیست که قضاوت بکنیم، چون این به معنی حکم از کنار کرد است. این را باید همان‌طور که گفتیم رسیدگی دقیق نشان بدهد.



اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلالان و محترک است

درمیشوات کسور

مستکبران داخلی، عمال امپریالیسم اند

است که ملی‌گرایان همه تلاش خود را به کار می‌زنند تا مبارزه ضد امپریالیستی را صخ، و از سر خود منحرف نمایند. و از محتوی خالی سازند. هدف آنان این است که، مبارزه بر ضد امپریالیسم خارجی، با مبارزه بر ضد مستکبران داخلی توأم نشود، یعنی همان مبارزه بر ضد امپریالیسم خارجی نیز در حد حرف و شعار باقی بماند. مستکبران داخلی،

ناسیونالیسم، برای مستکبران و خادمان ایشان، نقش عظیمی دارد. اما این نقش عظیم چندان از دایره فریب اکثریت مستضعف ملت تجاوز نمی‌کند. آزادی ملی‌گرایان این است که اکثریت ملت به نام ناسیونالیسم، و به خاطر افتخارات "ملی" فداکاری کند، ولی خودش چیزی نخواهد که همه منافع، یا بخش اعظم آن در میان مستکبران تقسیم شود. چنین

از گس‌هال، دبیر کل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا...

پتی از صفحه ۴

خود رانست به حزب از دست دادند؟ تنها پاسخ صحیح به این سؤال می‌تواند به برقراری این اعتماد کمک کند و نه تغییر و تبدیل برخی شخصیت‌های مهم.

حال چه باید کرد؟

مزیت جامعه سوسیالیستی آن است که وسیله و شناخت آن را دارد

که خود به اصلاح اشتباهات و رفع کاستی‌های گذشته بپردازد. علت آن است که روابط میان کارگران، حزب، سندیکاهای کارگری و دولت، بر پایه تضادهای ذاتی استوار نیست، زیرا که این مناسبات ماهیت روابط میان کارگر و کارفرما را ندارد و ادامه ساختمان سوسیالیستی به سود همگان است.

ایدئولوژی‌های سرمایه‌داری این آرزو را، که کارگران و مردم لیستان از سوسیالیسم رویگردان خواهند شد،

مکور خواهند برد لیستان در آینده نیز اشتباه خواهد کرد. ولی تضایک اشتباه غیر ممکن است، و آن انحراف از راه رشد سوسیالیستی است.

شکی نیست که اعضای لیستان پدیده‌ای منفی بوده است. اما خادمان باید بود که حزب، رهبران سندیکاهای کارگری و دولت نتایج گیری مناسب را از آنها گرفته‌اند.

در لیستان، سرانجام سوسیالیسم است که پیروز خواهد شد! پایان

بازرادخانه هنر، جنگ علیه امپریالیسم امریکارا تشدید کنیم

طلسم هنر هم باطل شد!

پنداری این هنر نبوده که ۲۵ سال به پای ذنیت مالخولیانی این و آن هنرمند واژه و جبرم خوار قربانی شده، که ۲۵ سال در هوای یخزده زمستانی، با عرق شرم بر پیشانی، یخود لرزیده که اینهمه اشک ریخته، فاله کرده و آه کشیده و صدبایر اینهمه اشک و فاله و آه، به جیب دللان هنری پولسرازی کرده...

انقلاب شکوهند مردم ایران، طلسم ۲۵ ساله هنر را هم باطل کرد!

هنری که امپریالیسم امریکا در کشور ما ترویج می کرد، «هنر» نبود، ابتذال در لباس میدل بود که تنها به درد بورژواهای پودر و ماتیکزده شکم سیر می خورد، تا شبها در یک لیوان آب سرد حل کنند و با ۳-۴ قرص والیوم سر بکشند، شاید که دم بیاسایند! هنر راستین، هنر زنده مظهر تسلیم ناپذیری خلق ما و فریاد همیشه بلندنفس ما، پادشوازی، ولی یا اقتدار، خونین، ولی سر بلند، در این شب تاریک تاب آورد، نور امید بخشید و پیوند دهنده مبارزه مسلح و بیاتگر سلامت و

صلابت مردم زحمتکش شد. و ایزک در پایان شب، هنگامی که افسون طلسم از هم می پاشد، آنچه توده مردم به آن نیاز دارد، هنری بسجده، نیرو ده، امید بخش و پیکارجوست، که با دم مسیحاتش در کالبد کینه ۲۵۰۰ ساله شان بدند و آنان را علیه هرچه ظلم و بیادگری است، بشوراند.

انقلاب شکوهند مردم ایران، عهده دار ترویج چنین هنری است و هنرمندان انقلابی ما وظیفه مند تحکیم و تعمیق آن هستند، بویژه در این شرایط حساس و تعیین کننده، که امپریالیسم امریکا به تشنج جنون قبل از مرگ مبتلا شده و، بقولی، خون جلوی چشمهایش را هم گرفته است! رزمیدن در نیجه جنگ و با دشمن مار خورده اتمی شده، به تنهایی کافی نیست. باید تمامی جبهه ها را علیه او گشود و از تمام امکانات موجود بهره برد و گسترده ترین عرصه ای که میتواند در این کارزار وسیع خدمت کند، عرصه بیکران هنر است و یکه تاز تمهیدش هنرمند، که چون سربازی

عده دارد دفاع از موجودیت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. هنرمندان متعهد باید با پهره گیری از زرادخانه هنری فرهنگ مان، با همان ابزار و وسائلی که امریکا، چون مار از پونه آن پرهیز داشت، یعنی هنر اصیل، مردمی و انقلابی، به نبرد تعیین کننده یا او بسرخیزند و همراه مدافعین از جان گذشته انقلاب، که در جبهه های غرب و جنوب کشور، به جنگ عادلانه مشغولند، پیروزی را تضمین کنند. با توجه به این مسئولیت سترگ است که **حجت الاسلام خامنه ای**، در خطبه نماز جمعه (۳۰ آبان ۵۹) گفت:

شعرا و هنرمندان باید آمادگی خود را بیش از پیش کنند... من از همه شعراء نقاشان و هنرمندان گوناگون می خواهم که هنر توانا و نیروی ارزشمند خود را در خدمت و در تداوم انقلاب قرار دهند.

«باید او را بر خیزانند! باید قلم و قلمو را در جوهر و رنگ نقرت میلیونی مردم فرو برد و قلب دشمن را نشانه گرفت. باید کتون عسسی دورین فیلمبرداری را با مرکز کینه ۲۵ ساله این مردم میزان کرد و از دریچه آن میل خونبائی را که بر زمین این مرز و بوم جاری ساخته، بسوی پایه های لرزان کاخ سفید روان ساخت. باید «صحنه» را به مجلس ترحیم امپریالیسم تبدیل کرد. باید پایبای پاسداران انقلاب، انقلاب را پاس داشت.

حزب توده ایران، که همواره در صف اول مبارزه علیه امپریالیسم، سرکردگی امریکا، از همه توش و توان انقلابی خود مایه گذاشته، این بار نیز از هنرمندان توده ای و تمامی هنرمندانی که به یاری هر چه بیشتر و تعمیق این انقلاب دل بسته اند، می طلبد که به دعوت **حجت الاسلام خامنه ای** پاسخ مثبت گویند و «هنر ارزشمند خود را در خدمت تداوم این انقلاب قرار دهند».

جمهوری اسلامی ایران

متاسفانه علیرغم تجارب تلخ و پربار گذشته، هنوز برخی از نیروها چشم بر واقعیت نگشوده اند و دام خطرناک ضدانقلاب را تشخیص نمیدهند و در ورای جنایت خیابان مبارزان و رشت، توطئه ضدانقلاب را در تحریک آنها علیه جمهوری اسلامی ایران، نمی بینند.

ما از همه نیروهایی که خود را به انقلاب وفادار و علاقمند می دانند، از مجاهدین خلق، از مسئولین جمهوری اسلامی ایران، از مردم قهرمان ایران مصرا نه می خواهیم که از دام توطئه ضد انقلاب و گروههای مائوئیستی، یا تمام قوا اجتناب کنند و آرامش راه، که حفظ آن برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران حیاتی است، تامین و تحکیم کنند. از آب گل آلود شده فقط و فقط ضدانقلاب بهره می گیرند. این هشدار را بخاطر بسیاری...

یک منبع موثق در اهواز گزارش داد:

«نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، متشکل از برادران ارتش، پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای نامنظم، در نخستین مرحله حملات تهاجمی خود، تمام واحدهای زرهی مزدوران صدام مستقر در منطقه بیلاهی کرخه کور را منهدم کردند. تعداد تلفات نیروهای خودی در این عملیات بسیار اندک گزارش شده است.

آخرین خبرها یک منبع موثق در ستاد جنگ آبادان اظهار داشت که: در حمله پیرروز (۱۵ دی) ۲ تپ از نیروهای عراقی منهدم و ۱۷۰۰ اسیر و صدها تانک، خودرو و تقریر عراقی به دست نیروهای اسلام افتاده است.»

ضدانقلاب آب را گل آلود میکند!

نیروهای اشتباهکار، ناپخته و سر درگم را به منشأ اصلی توطئه، رهنمون شده است و معمولا آنکس که مقصر وانمود میشود، «هیئت حاکمه» است. در پی این تحریک اولیه، درگیری و تشنج بالا میگردد. در این موقع است که ضد انقلاب از سوی دیگر به آن پاسخ میدهد. در نتیجه تشنج و درگیری گسترش می یابد، ناآرامی بهترین زمینه را برای تشدید فعالیت توطئه گران فراهم می آورد.

فاجعه رشت، که در پی حادثه خیابان مبارزان تهران رخ داد، نیز همین هدف را تعقیب می کند: تلاش برای ایجاد تشنج و درگیری و شکاف میان صفوف مردم در آستانه انجام توطئه هتم امپریالیسم امریکا علیه

درباره تشنج و درگیری اخیر در گیلان

ضدانقلاب باز هم در رشت حادثه آفریده، شهر را به کام تشنج کشید و بر گیلان گرد اضطراب و ناآرامی پاشید. فاجعه ای که در روز یکشنبه ۱۰ آبان ۵۹ در رشت رخ داد و به قتل یک فروشنده دیجانه انجامید، واقعه تازماری نیست. ضدانقلاب از قردای انقلاب تاکنون، به اینگونه جنایات دست بسیار آلوده است. آنچه به این واقعه اهمیت خاص می بخشد و تعمق برمی انگیزد آنستکه، فاجعه نوق و درگیریهای گسترده پس از آن، با تفاوت در شکل حادثه، همواره پیش از هر توطئه براندازی

امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، به مرحله اجرا درآمده و بویژه شهرهای گیلان را به صحنه درگیری میان گروههای مردم بدل کرده است. در روز-

ضدانقلاب باز هم در رشت حادثه آفریده، شهر را به کام تشنج کشید و بر گیلان گرد اضطراب و ناآرامی پاشید. فاجعه ای که در روز یکشنبه ۱۰ آبان ۵۹ در رشت رخ داد و به قتل یک فروشنده دیجانه انجامید، واقعه تازماری نیست. ضدانقلاب از قردای انقلاب تاکنون، به اینگونه جنایات دست بسیار آلوده است. آنچه به این واقعه اهمیت خاص می بخشد و تعمق برمی انگیزد آنستکه، فاجعه نوق و درگیریهای گسترده پس از آن، با تفاوت در شکل حادثه، همواره پیش از هر توطئه براندازی

نیروهای مسلح...

وارد آوردند. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیه شماره ۳۶۱ خود، شرح عملیات گسترده تهاجمی روز دوشنبه ۱۵ دیماه ۵۹ در منطقه اهواز را، که با هاستکی کامل نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی ایران، سیاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای بسیج مردمی انجام گرفته اعلام کرد. در این اطلاعیه از جمله آمده است: «بر اثر گزارشات تأییدشده ای که تا ساعت ۲۲:۴۵ پیروز، ۱۵ دیماه، واصل شده است، در این عملیات، ارتش مهاجم عراق ۲۰۰ کشته و ۴۵ مجروح، به جای گذاشته است. و تاکنون ۵۰۰

نیروهای مسلح...

وارد آوردند. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیه شماره ۳۶۱ خود، شرح عملیات گسترده تهاجمی روز دوشنبه ۱۵ دیماه ۵۹ در منطقه اهواز را، که با هاستکی کامل نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی ایران، سیاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای بسیج مردمی انجام گرفته اعلام کرد. در این اطلاعیه از جمله آمده است: «بر اثر گزارشات تأییدشده ای که تا ساعت ۲۲:۴۵ پیروز، ۱۵ دیماه، واصل شده است، در این عملیات، ارتش مهاجم عراق ۲۰۰ کشته و ۴۵ مجروح، به جای گذاشته است. و تاکنون ۵۰۰

حجت الاسلام موسوی تبریزی در مراسم ۲۸ صفر در قزوین:

اوریکا دشمن اصلی انقلاب ایران است

مردم قزوین: ما در جنگیم با شیطان، چه با کارتر چه چریگان حجت الاسلام موسوی تبریزی، نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی، روز ۱۵ دیماه ۵۹، ضمن تظقی در اجتماع مردم قزوین به مناسبت ۲۸ صفر، تصریح کرد که:

«امریکا دشمن اصلی اسلام راستین و انقلاب ملست» حجت الاسلام موسوی تبریزی که در مقابل گروه کثیری از مردم قزوین سخن می گفت، پس از تصریح این نکته اضافه کرد: «اما عده ای هستند که بنام امام علیه السلام و بنام اسلام علیه است.»

وی آنگاه چنین ادامه داد: «در جامعه ما ۴ منطبق وجود دارد: یکی این منطبق است که می گوید دانشجویان مسلمان یرو خط امام با گرفتن جاسوسخانه به ایران خیانت کردند، ما را متزوی کردند، موجب شدند که امریکا و اروپا ما را محاصره اقتصادی کنند. اینها حتی تجاوز اخیر به عراق و توطئه های امریکا را به حساب دانشجویان مسلمان یرو خط امام می گذارند، منطبق دیگر منطبق امام است. وقتی که دانشجویان ما جاسوسخانه را گرفتند، امام اعلام کرد که این انقلابی بزرگتر از اول است و ما متزوی نیستیم. ملت ایران این ۴ منطبق را ببینند و قضاوت و مقایسه کنند.»

حجت الاسلام موسوی تبریزی در بخش دیگری از سخنان خود، به گروهی که داد «آزادی» نیست را سر دامنه، اشاره کرد و گفت: «در حالیکه ما محاصره اقتصادی شده ایم، در حالیکه با امریکا در جنگ هستیم، در حالیکه چند کیلومتر از خاک ما، مورد تجاوز قرار گرفته است، در حالی که هنوز پرونده های کودتاگرانی که می خواستند در عرض چند ساعت چند میلیون نفر، از جمله امام را بکشند، تحت بررسی است، در حالی که ستون پنجم شدیداً فعال است، عده ای در این شرایط شعار آزادی می دهند، یا شعار می دهند که زندان نباید باشد!

وی خاطر نشان ساخت که همه خواهان این مسائل هستند، ولی در صورتیکه تمام ارکان انقلاب مستحکم شده باشد.

حجت الاسلام موسوی تبریزی در پایان سخنان خود، خواهان وحدت بیشتر مردم شد و با شعار «همه باید متحد شویم» سخنان خود را پایان داد.

پس از پایان سخنان حجت الاسلام موسوی تبریزی، مردم قزوین طی یک راهپیمایی و با شعار:

ما در جنگیم با شیطان چه با کارتر چه ریگان
چنانچه ۲ شهید از لشکر ۱۶ زرهی قزوین راه، که اهل تبریز بودند، بسوی زادگاهشان تشییع کردند.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی:

امید که در روزهای آینده شاهد مراحل نهایی شکست و طرد متجاوزان مزدور باشیم

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران خطاب به کلیه رزمندگان انقلاب در جبهه، به مناسبت پیروزی اولین مرحله تهاجم بر دشمنان متجاوز، پیامی فرستاد. در پیام رئیس مجلس شورای اسلامی، ضمن اشاره به اینکه، تهاجم نیروهای انقلاب «به انتظار شدید همراه با تکرانی مردم و طرد متجاوزان مزدور باشیم»

حمله ای که شد...

خوزستان متلاشی کرده، یعنی دشمن الان هیچ نقطه اتکالی که بتواند در آن استقرار پیدا کند تا مرز تدارک و نیروهای ما می تواند به پیشروی خودشان ادامه دهند تا مرز، تا ضلعی می تواند بروند.

تعداد بسیار زیادی از مزدوران عراقی به اسارت درآمده، که تاکنون ۸۰۰ نفر از آنان تخلیه و تحت مراقبت قرار گرفتند. در این اطلاعیه ضمن اعلام هلاکت عده زیادی از تجاوزگران صدامی و به غنیمت گرفته شدن تعدادی تانک، توپ و تقریر آمده است: «حمله متقابل نیروهای کفر شدیداً دفع و ۲ فروند میگ و یک فروند هلی کوپتر، که قصد حمله به نیروهای اسلام را داشتند، مناطق و منهدم گردید.»

یک منبع موثق در اهواز گزارش داد:

«نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، متشکل از برادران ارتش، پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای نامنظم، در نخستین مرحله حملات تهاجمی خود، تمام واحدهای زرهی مزدوران صدام مستقر در منطقه بیلاهی کرخه کور را منهدم کردند. تعداد تلفات نیروهای خودی در این عملیات بسیار اندک گزارش شده است.

آخرین خبرها یک منبع موثق در ستاد جنگ آبادان اظهار داشت که: در حمله پیرروز (۱۵ دی) ۲ تپ از نیروهای عراقی منهدم و ۱۷۰۰ اسیر و صدها تانک، خودرو و تقریر عراقی به دست نیروهای اسلام افتاده است.»



آمریکا و چین، پاکستان را مسلح میکنند * آمریکا به چین سلاحهای ترمزی خواهد داد.

آمریکا و چین سرگرم تدارک توطئه‌های هستند که متوجه هندوستان و دیگر کشورهای آسیا است. روزنامه نیشن هرالد تریبون، چاپ دهلی نو، ضمن اعلام این خبر، نوشت: «آمریکا و چین با صلح کردن پاکستان تلاش میکنند که از آن برای مقاصد تجاوزکارانه خود استفاده کنند و در نزدیکی خلیج فارس مواضع استراتژیکی مناسبی برای خود تامین نمایند» گوودر استون، سناتور آمریکایی، که در دولت ریگان مقام ریاست کمیسیون فرعی سنا در مسائل تخصیص اعتبارات نظامی را بر عهده خواهد داشت، پس از مذاکره با رهبران چین در پکن، در یک مصاحبه مطبوعاتی، گفت که، امکان تحویل جدیدترین سلاحهای ترمزی به چین از طرف ایالات متحده آمریکا را بعید نمیداند.

چین ۲۰۰۰ نفر را برای خرابکاری در لائوس مسلح کرد

چین خرابکاران و تروریست‌ها را برای فعالیتهای تخریبی در لائوس تعلیم میدهد و مسلح میسازد. رهبر این تروریست‌ها، که خود را ژنرال «چامپا» می‌نامد، در یک مصاحبه با خبرنگاری فرانسه در بانکوک ضمن تأیید این خبر، گفت که تنها طی ماههای اخیر، نزدیک به دوهزار نفر از اقلیتهای ملی لائوس در ایالت یوانان چین تربیت و آماده شده‌اند، تا در لائوس به خرابکاری بپردازند.

۷ درصد پر بودجه نظامی ژاپن افزوده شد

هیئت حاکمه ژاپن، زیر فشار امپریالیسم آمریکا، ۷ درصد پر بودجه نظامی کشور افزود. محافل حاکمه ژاپن برای توجیه این اقدام باز دستاویز کهنه و رسوای «خطر شوروی» را علم کرده‌اند، ولی واکنش محافل ترقی‌خواه کشور نشان داد که این دستاویز هیچکس را قریب نداده است.

بودجه نظامی ژاپن در حالی افزایش می‌یابد که اوضاع اقتصادی کشور رو به وخامت می‌رود و زحمتکشان بیش از پیش زیر فشار قرار می‌گیرند. تورم، بیکاری و ورشکستگی شرکتهای ژاپنی هر روز ابعاد بیشتری بخود می‌گیرد.

در سال جاری نرخ تورم به ۸٫۴ درصد رسید. شمار بیکاران به یک میلیون و دویست و ده هزار نفر رسیده است و ۱۸ شرکت در سال ۱۹۸۰، ورشکست شده‌اند.

پدیشان، مردم ژاپن در سال ۱۹۸۱، با چشم‌انداز تیره‌تری روبرو هستند.

امکان مداخله نظامی گسترده‌تر آمریکا در السالوادور

در حالیکه نیروهای انقلابی السالوادور هر روز مواضع تازه‌ای را به دست می‌آورند، سه تن از کارکنان پرسنل وابسته نظامی آمریکا در السالوادور، در یک مصاحبه مطبوعاتی، اعلام کردند که امکان مداخله گسترده‌تر نظامی آمریکا در السالوادور وجود دارد.

شمار کسانی که از اسرائیل مهاجرت می‌کنند، هر ساله افزایش می‌یابد

به گزارش رسانه‌های گروهی غرب، شمار کسانی که از اسرائیل به خارج مهاجرت می‌کنند، سال به سال افزایش می‌یابد. تنها در سال ۱۹۸۰، شمار کسانی که از اسرائیل به خارج مهاجرت کردند، ۳۲ هزار نفر بیشتر از کسانی بود که به این کشور مهاجرت کردند. ناظران در اسرائیل عقیده دارند که تورم لجام‌گسیخته، پایین آمدن سطح زندگی زحمتکشان و بی‌ثباتی ناشی از سیاستهای تجاوزکارانه رژیم تل‌آویو، از دلایل اصلی فرار اسرائیلی‌ها به خارج است. تورم در اسرائیل، در سال جاری به صد و هشتاد درصد رسیده است.

بمناسبت یکمین سالگرد روز پیروزی خلق کامپوچیا - آزادی کامل پنومپن (۱۷ دی ۱۳۵۸)

سیاست خارجی کامپوچیا،

سیاست صلح و دوستی با خلقها

در ۱۷ دی ۱۳۵۸، شورای انقلابی خلق کامپوچیا قدرت را در کامپوچیا بدست گرفت. اینک با گذشت یکسال از سرنگونی رژیم خونبار پوئوت - ینگساری، که درخیم ۳ میلیون انسان بی‌گناه بود، توسعه‌طلبان چینی، به دستکاری امپریالیسم آمریکا و دست‌نشاندهاگان خود، توطئه‌ها و تحریکات تبلیغاتی و نظامی وسیعی را آغاز کرده‌اند. چین و آمریکا با حمایت از تحریکات مسلحانه تایلند، مسلح‌ساختن ضدانقلابیون و دامن‌زدن به هیاهوی تبلیغاتی درباره مباحث تجاوز و ویتنام، برای حفظ کرسی نمایندگان حکومت سرنگون‌شده پوئوت - ینگساری در سازمان ملل متحد تلاش می‌ورزند.

انقلاب ظفرنمون کامپوچیا حصارانگرا را در هم شکست و کامپوچیا تون را به آغوش جامعه جهانی بازگرداند. ولسی برتری‌طلبان چین بیدرتک نمایش‌مضحکی را در سازمان ملل متحد به اجرا گذارند. نمایندگان رژیم پوئوت - ینگساری، که پایه‌های حکومتشان بدست مردم فروریخت و دیگر نماینده کسی جز خودشان نبودند درخواست تشکیل فوری شورای امنیت برای بررسی رخدادهای کامپوچیا را ارائه دادند، که با حمایت گرم و پرشور چین و آمریکا روبرو گردید. از این طریق، این دوهم‌پیمان، با دخالت در امور داخلی یک کشور مستقل، مانع از راه یافتن نمایندگان راستین و قانونی خلق کامپوچیا به سازمان ملل متحد شدند.

این اقدام مزورانه از جانب امپریالیسم آمریکا زمانی صورت‌پذیرفت که یک سال پیش از آن، در ۲۳ مرداد ۱۳۵۷، ایالات متحده مراتب «ناخشنودی و نگرانی» خود را نسبت به انسان‌کشی در کامپوچیا تسلیم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل‌ساخته و کارتر، رئیس‌جمهور ایالات متحده نیز در یکی از سخنرانی‌های خود «نگرانی دولت ایالات متحده را از دیدار ترور در کامپوچیا» و معرفی رژیم پوئوت بعنوان «شرورترین نقض‌کننده حقوق بشر در جهان» ایراز داشته بود.

امپریالیسم آمریکا و برتری‌طلبان چین با اتخاذ چنین موضعی، قطع نظر از منافع مشترک، هدفهای خودخواهانه‌ای را نیز دنبال می‌کنند. هر دو کشور از رخدادهای دگرگون‌ساز که در راستای تحکیم بنیانهای دیمکراسی و ترقی اجتماعی در کامپوچیا صورت می‌پذیرد، ناخشنودند. ریشه‌های ناخشنودی امپریالیسم آمریکا را در شکست سیاست تجاوز و غارت در ویتنام، لائوس و کامپوچیا، و ازسوی دیگر در فقدان اهرمی برای بر اعتبار ساختن سوسیالیسم باید جستجو کرد، از آن‌رو که رژیم ددمش پوئوت آماج خوبی برای حمله به سوسیالیسم بود.

تارزاتی چین نیز در چهارچوب آمال سیاسی - نظامی دور رس و استراتژیک آن قرار می‌گیرد. نقشه محاصره ویتنام سوسیالیستی و دستیابی به خلیج سیام با شکست روبرو گردید. آرزوی آزمندانه یکن برای تبدیل ویتنام به سریل توسعه‌طلبی، بخاطر چنگ‌انداختن به سرزمین‌های آسیای جنوب شرقی، همانند جایی محو شد. برای آنکه ایجاد و اهداف «دخالت‌چین» در کامپوچیا و بهره‌جویی از خاک کامپوچیا بعنوان پایگاه تجاوز به ویتنام را روشن سازیم، کافیت یکوئیم که ۲۰۰۰۰ «کارشناس» دست‌آموز چینی در رژیم پوئوت حضور داشتند.

امپریالیسم آمریکا، چین و دست‌نشاندهاگان، در قبال فاجعه خلق کامپوچیا، با تلاشی تب‌آلود از بدبختی هرگونه مسئولیتی شانه تپ می‌کنند و تاکتیکیهای

مرسوم خود را در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بیکری می‌کنند. آنها بویژه کشورهای «جهان سوم» را، که بسیاری از آنان از دگرگونی‌ها و پیشرفت‌های کامپوچیا درک روشنی ندارند و از سرچشمه خطر اصلی در جنوب شرقی آسیا بی‌اطلاعند، تحت فشار قرار میدهند. سرشت این خطر مهم در تجاوز چین به ویتنام و تهدیدهای مکرر چین علیه ویتنام، در پشتپانی یکن و امپریالیسم آمریکا از گروههای تروریستی رنگارنگ، اعمال فشار و باج‌خواهی از کشورهای «آستان»، بی‌اعتنایی به «آزمون» پوئوت و سرنوشته خلقها و روندتشنج - زدایی و خلع سلاح نهفته است.

بر این بنیان، برتری‌طلبان چین به دسته‌های خرابکار پوئوت بعنوان اهرم تحقیق‌بخش آمال توسعه‌طلبانه خود می‌نگرند، و در تلاش هستند تا خاک تایلند را به پایگاهی برای «جنگ‌چریکی» علیه کامپوچیا تبدیل کنند. افزون بر آن، نقش مخرب و جنگ‌افروزانه تایلند، با توجه به حاکمیت سرایا وابسته آن به امپریالیسم آمریکا، شایان توجه جدی است. ازسوی دیگر، ضدانقلابیون پوئوتیست یا برایی‌کانونهای آموزش خرابکار در مناطق مرزی تایلند، به تجاوز و ویرانگری دست می‌زنند. از سوی دیگر، تایلند با پایمال ساختن حق استقلال، حاکمیت، تمامیت ارضی و امنیت کامپوچیا، با شلیک‌های پیاپی توپخانه‌اش، مناطق مرزی کامپوچیا را زیر آتش می‌گیرد. همچنین از طریق راندن اجباری ۴۷۰۰۰ پناهنده از مرزهای مین‌گذاری شده، در هنگام بارانهای موسمی، و زیر چتر حمایت آتش توپخانه تایلند، ضدانقلابیون پوئوتیست درصد راه‌گشایی به کامپوچیا هستند.

هم‌اکنون هزاران مستشار نظامی چینی برای تعلیم ضدانقلابیون مورد پذیرایی تایلند قرار می‌گیرند و در همانحال این کشور از پذیرش هرگونه دعوت برای حل‌عادلانه و پایان‌بخشیدن به درگیری‌های مرزی سر باز می‌زنند.

چندی پیش وزیران نظارچه لائوس، ویتنام و کامپوچیا، به پیروی از سیاست صلح‌جویانه‌اشان، در اولین گام، پیشنهاد ایجاد یک منطقه غیرنظامی در هر دو سوی مرز تایلند و کامپوچیا را ارائه دادند. ولی تایلند ضمن رد این پیشنهاد سازنده، به سود کاهش رخامت در منطقه و بسود مردم هر دو کشور بود، اعلام داشت که ایجاد این منطقه غیرنظامی تنها باید شامل کامپوچیا گردد.

بجاست که در فراسوی این تحریکات محافل امپریالیستی و مائوئیستی، به واقفیت مستگیری سیاست خارجی صلح‌جویانه دولت انقلابی خلق کامپوچیا که بیگانه از هر ماجراجویی و وخامت‌فرایی، خواهان صلح و امنیت پایدار در منطقه و جهان است، نظری بیافکنیم:

بیدرتک، پس از پیروزی انقلاب،

«شورای انقلابی خلق»، یگانه نماینده قانونی کامپوچیا، انقلابی، خواهان برقراری فوری روابط حسن همجواری و دوستی با خلقهای ویتنام، لائوس، تایلند و دیگر کشورهای جنوب شرقی آسیا شد. این شورا همچنین تمایل خویش را به استقرار مناسبات دوستانه با همه کشورهای برپایه اصول همزیستی مسالمت‌آمیز و تحکیم همبستگی با کشورهای نواستقلال، اردوگاه سوسیالیسم رنجشپای آزادیبخش ملی بیان داشت. از این‌روست که در بیانیه «جبهه متحد تجات ملی خلق کامپوچیا»، همخوان با خواسته‌ها و منافع اساسی مردم و همساز با سیاست جنبش عدم تمهد، اعلام گردید که کامپوچیا در هیچ پیمان نظامی شرکت نمیکند، اجازه تاسیس پایگاههای نظامی را به هیچ کشور نمی‌دهد و با تبدیل کشور خود به زرادخانه و بهره‌برداری از آن بعنوان پایگاه تجاوز و دخالت در امور دیگر کشورها، قاطعانه مخالفت می‌ورزد.

بر اساس این سیاست روشن و اصولی، «شورای انقلابی خلق کامپوچیا» یگانه بیانگر قانونی منافع خلق کامپوچیا، خواهان پایان‌بخشیدن به هرگونه بحث بیرامون «مسئله کامپوچیا» در شورای امنیت سازمان ملل متحد است، زیرا این امر در سرشت خود نه تنها دخالت مستقیم در امور داخلی یک دولت مستقل محسوب میگردد، بلکه نقض آشکار منشور سازمان ملل متحد است. کامپوچیا همچنین خواهان اخراج نمایندگان رژیم واژگون‌شده پوئوت و واگذاری کرسی آن به نمایندگان راستین مردم مستعبد کامپوچیاست.

علیرغم تمام این تحریکات، اعتبار بین‌المللی جمهوری خلق کامپوچیا بطور فزاینده‌ای رشد و تقالی می‌یابد. کامپوچیا تاکنون از جانب ۳۰ کشور به رسمیت شناخته شده‌است، که در بین آنها شمار چشمگیری از کشورهای غیرتمهد و از آن جمله هند به چشم می‌خورد.

در این دوران اوچگیری مبارزات ضد امپریالیستی و گشایش فصل نوینی در عرصه سیاست خارجی کشور ما، در شرایطی که مردم ایران برای مقابله با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، خصم مشترک خلقها، بپا خاسته‌اند. همخوان با منافع و مصالح مبین انقلابی ما و کامپوچیا، که دوران سازندگی و مبارزه سرنوشته ساز ضد امپریالیستی را از سر می‌گذرانند، شایسته است که وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، بخاطر نزدیکی با دوستان راستین انقلاب، حکومت برخاسته از وطن مبارزات انقلابی مردم کامپوچیا را، که یوغ خودکامگی را پس رانده‌اند، به رسمیت بشناسد.

نامه مردم
از گمان مرکزی غرب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM
No. 413
7 January 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۴۱/۳۵۵۱، منطقه
۱۴ پستی تهران